



جمهوری اسلامی ایران

شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران

مدرسه علمیه الزهراء (سلام الله عليها) شهرستان ارومیه

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

عنوان تحقیق :

دیدگاه مخالفان و موافقان افزایش جمعیت

استاد راهنما :

سرکار خانم ضربی زاده

استاد داور:

جناب آقای حجت الاسلام والمسلمین اسم حسینی

پژوهشگر :

زهرا سیدنظری

سورة التوبة



جمهوری اسلامی ایران

شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه علمیه خاوران

مدرسه علمیه الزهراء (سلام الله عليها) شهرستان ارومیه

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

عنوان تحقیق :

دیدگاه مخالفان و موافقان افزایش جمعیت

استاد راهنما :

سرکار خانم ضربی زاده

استاد داور:

جناب آقای حجت الاسلام والمسلمین اسم حسینی

پژوهشگر :

زهرا سیدنظری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تحقیق پایانی با موضوع.....

که توسط سرکار خانم:.....

برای دریافت دانشنامه سطح دو (کارشناسی) تدوین شده است، توسط هیأت داوران مورد

ارزیابی قرار گرفته و در تاریخ / / ۱۳، با کسب رتبه.....

پذیرفته شده است.

استاد راهنما:.....

استاد داور:.....

مدرسه علمیه:.....

شهرستان:.....

امضاء مدیر و مهر مدرسه

تحمیدیه

ستایش برای خداست آن نخستین بی‌آغاز و آن واپسین بی‌انجام.
او که دیده بینندگان از دیدنش فروماند و اندیشه وصف کنندگان ستودنش نتواند.
آفریدگان را به قدرت خود آفرید و به خواست خویش بر آنان جامه هستی پوشانید.
آن‌گاه ایشان را به راهی که می‌خواست رهسپار کرد و به جاده محبت خود روان گردانید
آفریدگان نتواند از حدی که خدا برایشان مقرر ساخته است قدمی پیش و پس بگذارند.

تقدیم به

تقدیم به پدر و مادر عزیز و خانواده گرمی ام

به پاس عاطفه سرشار و گرمای امیدبخش وجودشان که در این سردترین روزگاران بهترین

پشتیبان است.

و به پاس محبت‌های بی‌دریغشان که هرگز فروکش نمی‌کند.

تقدیم به همسر مهربانم و فرزند دل‌بندم

که با چشم‌هایی پر از برق شوق، و زیبایی حضور در کنارم، خستگی‌های این راه را به امید و

روشنی راه تبدیل نمودند.

تقدیم و تشکر

نهایت تشکر و قدردانی دارم از مدیریت محترم حوزه علیمه سرکار خانم پورحیدر و اساتید گرامی‌ام، هم‌چنین استاد ارجمند سرکار خانم ضربی‌زاده، که نهایت توانشان در جهت تهیه این مجموعه بوده است.

از پدر و مادر عزیزم و خانواده محترم هم نهایت سپاس‌گزاری را دارم که بنده را در تهیه این تحقیق همراهی کردند.

با سپاس فراوان

چکیده

مسئله جمعیت و پیامدهای ناشی از آن یکی از مسائل مهم در چند دهه اخیر به شمار آمده و در آینده نیز همین وضعیت پیش‌بینی می‌شود.

در این نوشته سعی کردیم دیدگاه‌های مخالفان و موافقان افزایش جمعیت را مورد بررسی قرار دهیم و ادله هر دسته را نیز بیان کنیم.

بحران‌های ناشی از کثرت جمعیت و کمبود امکانات مادی و معنوی، برخی را واداشته تا بر این ایده تکیه زنند که تنها راه نجات، کنترل و در نتیجه کاهش رشد جمعیت است، به همین خاطر به مخالفت با افزایش جمعیت پرداخته‌اند. از سویی دیگر گروهی نه تنها افزایش جمعیت را موجب به وجود آمدن چنین بحران‌هایی نمی‌دانند بلکه با استناد به آیات و روایات و ادله‌های مبتنی بر دیدگاه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، جمعیت را عامل پیشرفت و توسعه مادی و معنوی جامعه در عرصه‌های گوناگون می‌دانند. این گروه معتقدند نگاه کاهش‌گرایانه و توصیه به حداقل زاد و ولد- که مشرق زمین به ویژه کشورهای اسلامی را نیز تحت تاثیر خود قرار داده است- نباید با غفلت از پیامدهای منفی‌اش در ابعاد اخلاقی، اجتماعی، صنعتی و توسعه اقتصادی و تنها به امید کسب آرامش و آسایش زودگذر زندگی، مورد اهتمام و تبلیغ قرار گیرد.

این گروه بر این باورند که سیاست کاهش جمعیت یک سیاست استعماری است که همواره در اجرای انگیزه‌های سودجویانه خود هستند. مسلماً هر متفکر آزاده مسلمان می‌تواند به خوبی به انگیزه‌هایی که غربی‌ها در ورای این سیاست دنبال می‌کنند پی ببرد- که در این نوشته به طور مبسوط بیان شده- اما جای تاسف است که برخی از سیاستمداران و نویسندگان مسلمان با حيله-ها و نیرنگ‌های غربی هم‌نوا شده‌اند و به جای حل مشکلات اساسی خود، مسئله جمعیت را مشکل اصلی کشورهای خود دانسته و به مقابله با آن پرداخته‌اند در حالی که اگر از تجربه‌های دیگر کشورها در جهت هدایت نیروی جمعیتی خود بهره بگیرند می‌توانند به برتری و پیشرفت در جنبه-های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دست یابند.

پس از بیان دیدگاهها و ادله مخالفان و موافقان افزایش جمعیت- که ادله موافقان در واقع پاسخی به ادله مخالفان و نوعی رد ادعای آنهاست- راهکارهایی را هم برای افزایش جمعیت بیان کرده‌ایم.

کلید واژه: جمعیت- رشد جمعیت- تنظیم خانواده- سیاست‌های جمعیتی.

فهرست مطالب

مقدمه ۱

بخش اول: کلیات و مباحث مقدماتی

فصل اول: کلیات

تعریف و تبیین موضوع: ۳

اهمیت و ضرورت تحقیق: ۳

اهداف و فوائد تحقیق: ۴

پیشینه موضوع تحقیق: ۴

سؤال‌های تحقیق: ۵

فرضیه تحقیق: ۶

روش تحقیق: ۶

ساختار تحقیق: ۶

واژگان کلیدی تحقیق: ۷

محدودیت‌ها، مشکلات و موانع تحقیق: ۷

فصل دوم: مفاهیم

تعریف جمعیت و انواع آن ۹

رشد جمعیت ۹

تعریف جمعیت‌شناسی و تنظیم خانواده ۱۰

فرق تحدید نسل و تنظیم خانواده ۱۱

سیاست‌های جمعیت ۱۲

دیدگاه علمای اسلامی، پس از انقلاب اسلامی ۱۶

۱- دهه اول از انقلاب اسلامی ۱۶

۲- دهه پس از انقلاب، تا کنون ۱۷

بخش دوم: مخالفان افزایش جمعیت

فصل اول: دیدگاه مخالفان افزایش جمعیت

نظریات فلاسفه و متصوفه ۲۱

نظریات اقتصاد دانان و جامعه شناسان ۲۲

مالتوس ۲۲

نومالتوسیان: ۲۶

فصل دوم: ادله مخالفان افزایش جمعیت

۱- فقر و مصرف زدگی ۲۸

۲- افزایش بزهکاری و جرائم اجتماعی ۲۹

۳- مهاجرت، شهرنشینی و کمبود مسکن ۲۹

۴- پایین بودن سطح بهداشت، عوارض زیست محیطی و سوء تغذیه ۳۰

۵- عوارض زیست محیطی ۳۱

بخش سوم: موافقان افزایش جمعیت

فصل اول: دیدگاه موافقان افزایش جمعیت

الف) دوره باستان: روم، ایران و یونان ۴۲

ب) ادیان: زردشت، بودا، یهود و مسیحیت و اسلام ۴۳

فصل دوم: ادله مبتنی بر مبانی و اصول شریعت موافقان افزایش جمعیت

ادله مبتنی بر مبانی و اصول شریعت ۴۸

۱- ضرورت حفظ نسل و بقای نوع انسانی ۴۹

۲- حفظ نسل مسلمانان و ترغیب بر افزودن آن ۵۰

۳-روایات ۵۲

۳-۱- روایات دال بر مطلوبیت ازدواج و فرزندآوری و افزایش آنها ۵۲

۳-۲- تاکید روایات بر ازدواج با زنانزایا و نهی از ازدواج با زناننازا ۵۴

۳-۳- مذمت زنان نازا ۵۶

۳-۴- روایاتی که افراد بدون فرزند را هالک و بدون نتیجه معرفی میکند ۵۷

۳-۵- روایات دال بر دعا برای طلب فرزند (به ویژه فرزند صالح) ۵۸

فصل سوم: ادله مبتنی بر دیدگاه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موافقان

۱- ادله مبتنی بر دیدگاه اقتصادی ۶۲

۲- ادله مبتنی بر دیدگاه اجتماعی، سیاسی ۶۵

۲-۱- پیری جمعیت و پیامدهای آن ۶۵

۲-۲- کاهش اقتدار سیاسی و نظامی ۶۷

۲-۲-۱- کنترل جمعیت؛ سیاستی استعماری ۶۸

۲-۲-۲- انگیزهها و اهداف سیاسی استعمار ۶۹

۲-۲-۳- اهداف و انگیزههای اجتماعی استعمار ۷۰

۲-۲-۴- اهداف و انگیزههای اقتصادی استعمار ۷۱

۲-۳- تبعات تک فرزندی ۷۲

فصل چهارم: نظریه تفصیلی مخالفان کنترل جمعیت

ترس از حیات مادر ۷۴

ترس از صدمه دیدن طفل شیرخوار ۷۴

حفظ زیبایی و جمال زن ۷۵

ترس نسبت به فرزندان ۷۵

فصل پنجم: راهکارهای افزایش جمعیت

۷۶ فرهنگ سازی
۷۷ ارائه الگوهای حضور اجتماعی زنان، متناسب با زاد و ولد
۷۸ عبور از ازدواجهای سخت به ازدواجهای آسان
۸۰ متن پیام رهبر انقلاب
۸۴ نتیجه
۸۵ فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

همواره بحث از جمعیت و بررسی آثار و پیامدهای آن از جمله مباحث مهم و جذاب بوده است. در مقاطعی از تاریخ کشور ما، سیاست دولت‌مردان بر فزونی جمعیت و در مقاطعی دیگر بر کنترل و کاهش آن بوده است که در هر دوره نیز موافقان و مخالفانی هم داشته است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بحث کنترل جمعیت به یک سیاست راهبردی تبدیل شد. نتیجه آن سیاست، امروز به بار نشسته و جامعه ایران را با معضل گسل و گسست نسلی و پیری مفرط جمعیت مواجه ساخته است. از این‌رو، امروز تاکید مسئولان امر بر فزونی جمعیت و دست شستن از سیاست کنترل جمعیت می‌باشد. به نظر می‌رسد، این موضوع و اتخاذ سیاست پیشگیرانه، نیازمند توجه به زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، ساختاری، زمینه‌ای و امکانات، ظرفیت‌ها، محدودیت‌ها و مولفه‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی است، از آن‌جا که ابعاد و آثار سیاست جمعیتی در دراز مدت نمایان می‌گردد، دیدی دورنگر و باریک بین را نیز طلب می‌کند.

از آن‌جا که اجرای سیاست‌های جمعیتی در هر منطقه ممکن است با بازتاب‌های منفی رو به رو شود، معمولاً تلاش بر آن است که اجرای چنین سیاست‌هایی با توجه به اوضاع و احوال فرهنگی و اجتماعی خاص هر منطقه تنظیم شود. در کشورهای در حال توسعه، نوعاً به دلیل حاکمیت ارزش‌های قومی، مذهبی و دینی، اعمال این سیاست‌ها با محدودیت‌هایی رو به رو بوده است؛ به همین منوال، در کشورهای اسلامی نیز از بدو ورود و اعمال سیاست‌های کنترل جمعیت - حدود پنجاه سال پیش - دانشمندان مسلمان نظریات مخالف و موافق را در این باره و از منظر دینی بیان کرده‌اند و اکنون نیز که این سیاست در حال تغییر است یعنی سیاست مبنی بر افزایش جمعیت در حال عملی شدن است موافقان و مخالفان این سیاست نیز هر کدام ادله‌ای برای خود بیان می‌کنند که در این پژوهش سعی خواهد شد پس از بررسی ادله هر طرف نظر صحیح با توجه به شرایط کنونی جامعه تبیین شود. ان شاء الله

بخش اول

کلیات

فصل اول: طرحنامه

تعریف و تبیین موضوع:

سخن درباره جمعیت، اندازه و ترکیب آن از موضوعاتی است که توجه بسیاری از دانشوران را از گذشته های دور به خود مشغول داشته است. بررسی اجمالی آرای اندیشمندان گذشته نشان می‌دهد که بیشتر این گونه نظریات با توجه به اندازه خانواده و تاکید بر افزایش یا کاهش تعداد فرزندان بیان شده است. سیاست‌های اجتماعی نیز که توسط سیاستمداران و دولت‌مردان در پیش گرفته شده، با توجه به وضعیت خانواده و تعداد اعضای آن تنظیم شده و هدف از اجرای چنین سیاست‌هایی، تلاش برای دستیابی به جامعه ای سالم، مرفه و متعادل از طریق ساماندهی به وضعیت خانواده و تعداد آن بوده است که گاهی این سیاست‌ها اقتضا می‌کند کنترل و کاهش جمعیت را و گاهی هم مستلزم کثرت اولاد و تکثیر جمعیت می‌باشد که هر یک از این سیاست‌ها نیز در هر عصر موافقان و مخالفانی را داشته است که در این نوشته سعی خواهد شد آرا و ادله های هر یک از این دو گروه با توجه به حاکمیت ارزش های دینی و مذهبی در کشور ما، مورد بررسی قرار گیرد. لذا این نوشته با اعتقاد به نقش برجسته آموزه‌های دینی- که یکی از عوامل زمینه ساز فرهنگی در کشورهای اسلامی است- نظرات موافق و مخالف را نیز از منظر اسلام بیان خواهد نمود.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

از آنجایی که کنترل جمعیت در دهه‌های اخیر که تبلیغات زیادی هم برای آن صورت گرفت باعث شده که روند رشد جمعیت کاهش یابد و نگرانی‌هایی را نسبت به ادامه این روند به وجود آورد به گونه‌ای که رهبر معظم انقلاب در بیانات اخیر به شدت نسبت به کنترل جمعیت ابراز

تاسف نمودند و مسئولین امر را در این قضیه مقصر دانستند لذا ضروری دیدیم تا با بررسی دیدگاه مخالفان و موافقان افزایش جمعیت نظریه درست را با توجه به شرایط کنونی جامعه بویژه جامعه تشیع تبیین نماییم.

اهداف و فوائد تحقیق:

با توجه به ضرورت بیان شده، مهم‌ترین اهداف و فواید پژوهش حاضر را می‌توان بدین صورت ذکر کرد:

- ۱- آشنایی با دیدگاه و ادله های موافقان افزایش جمعیت.
- ۲- آشنایی با دیدگاه و ادله های مخالفان افزایش جمعیت.
- ۳- بررسی ابعاد و آثار افزایش یا کاهش جمعیت در جامعه مسلمین بویژه جامعه تشیع.
- ۴- تبیین نظریه درست با توجه به شرایط فعلی جامعه و فرمایشات رهبری.

پیشینه موضوع تحقیق :

دیدگاه‌های مختلفی درباره جمعیت و افزایش و یا کاهش آن از گذشته‌های دور وجود داشته و سخن از جمعیت، اندازه و ترکیب آن همواره مورد بحث دانشوران بوده است. و تاریخچه این موضوع به نخستین مراحل زندگی بشر بازمی‌گردد و اولین مدرک مستند در این باره مربوط به نوشته‌های مصریان باستان است که از چهار هزار سال قبل بر جای مانده است تقریباً تمامی ادیان، آیین‌ها و امپراطوری‌های قدیم مانند: ایران، روم و یونان باستان. همگی از طرفداران افزایش جمعیت بوده‌اند. دانشمندان، صاحب نظران و علمای اسلامی نیز درباره جمعیت نظرات متفاوتی بیان نموده‌اند. و کتبی هم در این باره تالیف و مقالات و پایان نامه‌هایی هم ارائه شده است، که از جمله این کتب می‌توان به کتاب، رشد جمعیت، تنظیم خانواده، سقط جنین تالیف: محمدهادی

طلعتی اشاره نمود که در این کتاب در مورد کنترل جمعیت و تنظیم خانواده بحث شده و در بخشی از کتاب هم به دیدگاه و ادله موافقان و مخالفان افزایش جمعیت پرداخته شده است. کتب، دیگر کتاب، کاهش جمعیت ضربه‌ای سنگین بر پیکر مسلمین، تالیف: محمد حسین طهرانی و کتاب اسلام و ساماندهی جمعیت نوشته حسن رهبر می‌باشد که به دیدگاه اسلام درباره جمعیت و کاهش یا افزایش آن پرداخته. پایان نامه‌هایی هم در این زمینه ارائه شده از جمله پایان نامه‌ای با عنوان بررسی فقهی کنترل جمعیت، نوشته فرج الله نادری. و اینجانب هم سعی خواهم نمود با نتیجه گیری از مطالب این کتاب‌ها، نظریه درست را با توجه به وضع موجود جامعه و مطالبات رهبری تبیین نمایم.

سؤال‌های تحقیق:

سوال اصلی: دیدگاه موافقان و مخالفان در مورد افزایش جمعیت چیست؟

سوالات فرعی:

- ۱- ادله مخالفان افزایش جمعیت چیست؟
- ۲- ادله موافقان افزایش جمعیت چیست؟
- ۳- روایات شیعی و سنی چه دیدگاهی در مورد جمعیت دارند؟
- ۴- رابطه میان مسائلی از قبیل سلامت، بهداشت، آسیب‌های اجتماعی-رفتاری با مسئله جمعیت چگونه تبیین می‌شود؟
- ۵- پیامدهای عاداتی و رفتاری کاهش جمعیت در خانواده‌ها و جامعه چیست؟
- ۶- در موازنه میان فواید و مضار کنترل و کاهش جمعیت سنگینی کدام طرف بیشتر است؟
- ۷- آسیب‌های اجتماعی مانند فقر و کژروی‌ها، چه میزان تابع جمعیت و چه میزان تابع علل دیگر است؟

فرضیه تحقیق:

فرضیه تحقیق: شرایط کنونی جامعه مسلمین بویژه کشور عزیزمان ایران با توجه به بیانات مقام معظم رهبری افزایش جمعیت را ایجاب می‌نماید.

روش تحقیق:

روش تحقیق در این نوشتار روش کتابخانه‌ای است که بعد از انتخاب و تعیین موضوع و تصویب آن، تجزیه و تحلیل موضوع به سوالات کلی و جزئی و جمع‌آوری منابع و کتاب‌های مربوطه و با مطالعه و فیش برداری مباحث، جمع بندی گشته و تدوین خواهد شد .

ساختار تحقیق:

بخش اول: کلیات و مباحث مقدماتی

فصل اول: طرح‌نامه

فصل دوم: مفاهیم

بخش دوم : مخالفان افزایش جمعیت

فصل اول: دیدگاه مخالفان افزایش جمعیت

فصل دوم: ادله مخالفان افزایش جمعیت

بخش سوم : موافقان افزایش جمعیت

فصل اول : دیدگاه موافقان افزایش جمعیت

فصل دوم : ادله مبتنی بر مبانی و اصول شریعت موافقان افزایش جمعیت

فصل سوم : ادله مبتنی بر دیدگاه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موافقان افزایش جمعیت

فصل چهارم : نظریه تفصیلی مخالفان کنترل جمعیت

واژگان کلیدی تحقیق:

جمعیت: گروه مردم-انبوهی مردم- مردم بسیار که در یک جا گرد آمده باشند- نفوس یک شهر یا یک کشور.^۱

مجموعه ای از انسان‌ها که در یک منطقه معین (روستا، شهر، کشور) در قالب خانواده یا خانوار زندگی می‌کنند.

کنترل جمعیت: نوعی سیاست جمعیتی است که هدف عمده‌اش، تقلیل و کاهش جمعیت می‌باشد.^۲

تنظیم خانواده: نوعی سیاست جمعیتی و مجموعه تدابیر و برنامه‌ریزی‌هایی است که خانواده‌ها بتوانند تعداد فرزندان را که مایلند به صورت ارادی بیاورند.^۳
موافق: هم رای- همراه- سازگار.^۴

مخالف: خلاف کننده- ضد- ناسازگار- نقیض موافق.^۵

افزایش: افزودن- زیاد کردن- بیشتر کردن.^۶

محدودیت‌ها، مشکلات و موانع تحقیق:

هر چند که موضوع جمعیت و افزایش آن یکی از دغدغه‌های جامعه و رهبری در حال حاضر

۱- حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، چاپ دوازدهم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۹.

۲- فرج الله نادری، کنترل جمعیت از دیدگاه اسلام، انتشارات بوستان کتاب، قم: ۱۳۹۲، ص ۱۲.

۳- همان، ص ۱۱.

۴- محمد معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۳ و ۴، انتشارات نامن، چاپ دیبا، ۱۳۸۶.

۵- همان.

۶- همان، ج ۱.

می باشد ولی متاسفانه چندان به این موضوع پرداخته نشده و با توجه به این که سیاست کشور ما تا کنون مبنی بر کنترل و کاهش جمعیت بوده و بحث افزایش جمعیت اخیراً از سوی رهبری مطرح شده، لذا کتب و پایان نامه ها و مقاله هایی که در این باره تالیف شده بیشتر با رویکرد کنترل و کاهش جمعیت بوده و از این رو منابعی که بخواهد هدف ما را تامین نماید اندک می باشد.

فصل دوم: مفاهیم

تعریف جمعیت و انواع آن

در یک عبارت بسیار ساده، جمعیت انسانی «مجموعه‌ای از انسان‌هاست که در یک منطقه معین (روستا، شهر، استان، کشور، ...) در قالب خانواده یا خانوار زندگی می‌کنند.» همان‌طور که در تعریف آمده است هویت یک جمعیت خاص مسبوق به وجود یک منطقه خاص است. تقسیم‌بندی انواع جمعیت بیشتر تابع موضوعات متفاوتی است که در زمان‌های مختلف مورد تاکید قرار می‌گیرد. اگر تاکید بر قلمروی باشد که جمعیت در آن زندگی می‌کند، جمعیت انسانی به دو دسته جمعیت حاضر و جمعیت قانونی تقسیم می‌شود. جمعیت حاضر ناظر بر تعدادی از افراد جمعیت است که در یک زمان خاص در یک منطقه معین زندگی می‌کنند؛ مثلاً جمعیت حاضر ایران در یک روز خاص. تعداد این جمعیت تابع جابه‌جایی جمعیتی است و از یک زمان به زمان دیگر متفاوت می‌باشد. افرادی که قانوناً وابسته به یک منطقه خاص هستند، جمعیت قانونی آن منطقه را شکل می‌دهند. به عنوان مثال، کلیه افرادی که دارای تابعیت کشور ایران هستند جزو جمعیت قانونی ایران محسوب می‌شوند، خواه این افراد در ایران باشند (در یک زمان معین) خواه در جای دیگر.^۱

رشد جمعیت

موالید موجب افزایش جمعیت و مرگ‌ها موجب کاهش آن می‌شوند، تغییرات عددی جمعیت به میزان موالید و مرگ‌ومیر بستگی دارد. اگر میزان موالید بیش‌تر از میزان مرگ‌ومیر

۱- حسین محمودیان و ... دیگران، دانش خانواده، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳، ص ۴.

باشد، جمعیت افزایش می‌یابد و در نتیجه دارای یک میزان رشد مثبت خواهد شد؛ اگر میزان موالید برابر با مرگ‌ومیر باشد، تعداد جمعیت هیچ تغییری نخواهد کرد و میزان رشد جمعیت صفر است؛ و اگر میزان موالید کمتر از میزان مرگ‌ومیر باشد، از تعداد جمعیت کاسته شده و جمعیت یک رشد منفی را تجربه خواهد کرد. میزان رشد، حاصل تفاضل میزان موالید و میزان مرگ‌ومیر می‌باشد و از آن جا که این رشد نتیجه حرکات طبیعی (تولید و مرگ) جمعیت است، به میزان رشد طبیعی معروف است:

میزان مرگ و میر - میزان موالید = میزان رشد طبیعی

میزان رشد طبیعی اثرات مهاجرت را نمایان نمی‌سازد. در نتیجه این رشد فقط مخصوص یک جمعیت بسته است. در یک جمعیت باز، میزان مهاجرت خالص نیز می‌تواند در افزایش و یا کاهش جمعیت نقش داشته باشد. تحت تاثیر مهاجرت میزان رشد طبیعی به میزان رشد مطلق تبدیل می‌شود:

میزان مهاجرت خالص + میزان مرگ و میر - میزان موالید = میزان رشد مطلق

کاهش میزان رشد جمعیت به معنی کاهش تعداد عددی جمعیت نیست بلکه بدین معناست که جمعیت با میزان رشد پایین‌تری در حال افزایش است. تنها وجود رشد منفی است که مبین کاهش تعداد جمعیت است.^۱

تعریف جمعیت‌شناسی و تنظیم خانواده

تنظیم خانواده در اصطلاح جمعیت‌شناسی عملی است آگاهانه و ارادی که هم در سطح خانواده و هم در سطح جامعه دارای هدف می‌باشد. در سطح خانواده هدف از آن توازن میان

۱ - حسین محمودیان، همان کتاب، ص ۱۸-۲۰.

امکانات اقتصادی و تعداد اولاد است و در سطح جامعه به منظور ایجاد تعادل میان جمعیت و تولید انجام می‌گیرد.^۱

به عبارت دیگر تنظیم خانواده، نوعی سیاست جمعیتی و مجموعه تدابیر برنامه‌ریزی‌هایی است که خانواده‌ها بتوانند تعداد فرزندان را که مایلند به صورت ارادی بیاورند.

تنظیم خانواده مفاهیمی چون؛ تعداد فرزندان، فواصل سنی فرزندان، انتخاب موقع و شرایط لازم برای فرزندآوری، امکان فرزند سالم داشتن، عقیم شدن ارادی یا طبیعی، رعایت وضعیت جسمانی و روانی و اجتماعی کودکان و مادران به خصوص تنظیم برنامه اقتصادی و اجتماعی خانواده را مطرح می‌سازد.^۲

با توجه به تعاریف فوق روشن می‌گردد که تنظیم خانواده الزاماً با محدود ساختن موالید ملازم نیست و چه بسا در مواردی تنظیم خانواده مستلزم کثرت اولاد و تکثیر جمعیت باشد.

فرق تحدید نسل و تنظیم خانواده

از همین جا می‌توان بین دو واژه تحدید نسل و تنظیم خانواده تفاوت گذارد. تحدید نسل صرفاً به معنای محدود ساختن توالد به منظور دستیابی به جمعیت کمتر می‌باشد و در جوامعی پیش می‌آید که انفجار جمعیت دارند، در حالی که تنظیم خانواده همان‌طور که می‌تواند قلت جمعیت را در پی داشته باشد می‌تواند در راستای کثرت جمعیت و یا ثابت نگه داشتن آن اعمال شود. و در هر وضعیتی برای جوامع مختلف جهان قابل انجام است و هم‌چنین اگر تحدید و محدود کردن با یک دید جمعیتی صرف سرو کار دارد، تنظیم خانواده ابعاد جمعیتی، زیستی، اقتصادی و

۱- سید حسن خمینی، مبانی فقهی تنظیم خانواده، انتشارات: پژوهشکده امام خمینی (رحمه الله علیه) و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۷.

۲- فرج الله نادری، کنترل جمعیت از دیدگاه اسلام، انتشارات بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۲، ص ۱۷.

اجتماعی خانواده را تلفیق می‌کند و درحالی‌که محدود کردن موالید غالباً الزامی و غیرارادی است، تنظیم خانواده آگاهانه، ارادی و منطبق بر تمام اوضاع اقتصادی و اجتماعی است.

سیاست‌های جمعیت

سیاست جمعیت مجموعه اصول، چاره‌جویی‌ها، آهنگ‌ها و اراده‌های نگاشته و گردآوری شده جمعیتی است که از سوی دولت‌ها در پیش گرفته می‌شود و قلمرو تلاش‌های او را در پیوند با مسائل و یا کارهایی که نتیجه‌های جمعیتی دارند، روشن می‌کند هدف سیاست جمعیتی، منطقی و هم آهنگ‌سازی دگرگونی‌های جمعیتی با زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است، تا رفاه و بهروزی بیش‌تر جمعیت فراهم سازد.^۱

تاریخچه سیاست‌های جمعیتی در جهان

بیان نظریه‌های بنیان گذاشته شده بر سیاست جمعیتی از سوی دانشمندان و اجرای آن به دست زمام‌داران در دوره‌ها و زمان‌های گوناگون تاریخی، بیان‌گر وجود چنین تفکر و سیاستی از گذشته‌های بسیار دور بوده است.

افلاطون و ارسطو عقیده داشتند که شمار مردم، نه آن‌قدر اندک باشد که استقلال سیاسی و اقتصادی جامعه را به خطر اندازد و نه آن اندازه زیاد که اصول حکمت دموکراتیک کشور را متزلزل کند.

آگوست امپراتور روم، برای نخستین بار در تاریخ، اصول یک سیاست جمعیتی را به وجود آورد. برابر دستور او، شخصی که فرزندان بسیار داشت از پرداخت مالیات و خدمت سربازی بخشیده می‌شد و امتیازهای اجتماعی و سیاسی ویژه‌ای به او تعلق می‌گرفت.

۱ - حسن رهبری، اسلام ساماندهی جمعیت، انتشارات بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵، ص ۱۷.

در سراسر سده‌های میانه، افزایش جمعیت هدف اساسی بود و این سیاست از مسیحیت الهام می‌گرفت.

ابن خلدون، اندیشور اسلامی، عقیده داشت؛ جمعیتی که به حد کافی انبوه و انباشته باشد امکان می‌یابد تا از نیروی کار خود استفاده بهتری برد. به نظر او جمعیت مهم‌ترین وسیله برقراری امنیت سیاسی و نظامی جامعه است.

در برابر مدافعان افزایش بی‌رویه جمعیت، اندیشورانی نیز بوده‌اند که با دوراندیشی تمام و در نظر داشتن افزایش تصاعدی انسان‌ها، نسبت به این پدیده هشدار داده و مرگ و میر را به عنوان قهر طبیعت، عامل تعدیل شمار انسانی دانسته‌اند.

هم‌زمان با نخستین انقلاب صنعتی، توماس رابرت مالتوس، بر اساس آمارهای علمی خود در نظریه مشهور خویش مقرر داشت:

نسبت افزایش جمعیت جهان از رشد تولید زراعی بیشتر است و این جریان، آینده انسان را با قحطی وحشتناکی که ناشی از زیادی مردم بر مواد غذایی است، مواجه می‌سازد...

او مردم را به محدود ساختن امر تولید و تناسل دعوت کرد و برای این دعوت، اسلوب خاص سیاسی، اقتصادی و اخلاقی خویش را مقرر داشت.

وی که کشیش بود، هرگز از جلوگیری از زاد و ولد، از راه طبیعی و یا ساختگی دفاع نکرد؛ اما پیروان مالتوس در این زمینه بازدارنده کمتری داشتند.

اینان هم‌چون مالتوس استدلال می‌کردند: جلوگیری از رشد زاد و ولد، برای دستیابی به سطح زندگی بهتر، بایسته است و برخلاف او، از سقط‌جنین و جلوگیری از بارداری برای کاهش باروری، دفاع می‌کردند.

خروشچف، رهبر اتحاد جماهیر شوروی پیشین در سال ۱۹۵۵ اعلام کرد:

((فکر محدود کردن توالد و تناسل، یک تئوری آدم‌خواری است که ایدئولوژی بورژوازی

(سرمایه‌داری) آن را اختراع کرده است.))

پذیرش اندیشه‌های مالتوس در کشورهای رو به توسعه، به ویژه در سده اخیر، برنامه‌ریزان

اقتصادی را بر آن داشت تا برنامه خود را بر پایه سیاست کاهش زاد و ولد ساماندهی کنند.

در پی کشورهای روبه توسعه و هم‌زمان با پایان جنگ جهانی دوم، کشورهای کمتر توسعه

یافته نیز، به پشتیبانی از سیاست جلوگیری از رشد زاد و ولد برخاسته و آن را سرلوحه برنامه‌ریزی-

های خود قرار دادند.

هند از نخستین کشورهایی بود که سیاست‌های مهار رشد جمعیت، یا ثبات جمعیت را از

سال (۱۹۵۲) در پیش گرفت و کشورهای اندونزی، بنگلادش، تایلند، فیلیپین، مکزیک و ترکیه نیز

از سیاست کاهش جمعیت پیروی کردند.

سیاست‌های جمعیتی در ایران

در سال‌های ۱۳۴۶-۱۳۵۷ش. در ایران نیز، همراه با پخش قرص‌های ضد بارداری، تبلیغات

گسترده‌ای با شعار: فرزند کمتر، زندگی بهتر، آغاز شد، که به دلیل فرهنگ موجود، باورها، سنت‌ها و

بی‌اعتمادی مردم به سیاست‌های رژیم پهلوی، چندان مورد توجه همگان مردم قرار نگرفت.

پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال آن آغاز جنگ تحمیلی، که با فراموشی سیاست‌های

جمعیتی تا سال ۱۳۶۸ش. در جمهوری اسلامی ایران همراه بود، رشد جمعیت حدود چهار در-

صدی را به کشور ما باز کرد.

برابر نظر معاون تحقیقات و فن‌آوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، به سبب پاس

داشتن سیاست‌های سامان‌دهی خانواده در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸، جمهوری اسلامی ایران، هم

اینک ده میلیون به شمار ساکنان کشور افزوده شده است؛ یعنی سالانه هشتصد هزار کودک اضافه

در کشور، چشم به جهان گشوده‌اند. به دنبال انتشار نتیجه‌های سرشماری سال ۱۳۶۵ در سال ۱۳۶۷

و روشن شدن ویژگی‌های چندی و چونی شمار سکنه کشور و آثار و پی‌آمدهای آن در سطح ملی، دولت جمهوری اسلامی ایران سیاست بنیان گذاشته شده بر کاهش را پیش گرفت و دنبال کرد. در سال ۱۳۶۹ (شورای تحدید موالید) با تصویب دولت و به ریاست وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تشکیل شد و در سال ۱۳۷۰ (اداره کل جمعیت و تنظیم خانواده) پدید آمد. قانون تنظیم خانواده در سال ۱۳۷۲ در مجلس پذیرفته شد؛ و در همان سال به تایید شورای نگهبان رسید.^۱ و تا به امروز هم سیاست کنترل جمعیت در کشورمان مطرح بود، در این جا به دنبال بررسی درست یا غلط بودن این سیاست در آن زمان نیستیم. اما آنچه مهم می‌نماید این است که اکنون بحث از تحدید نسل و آینده نگران‌کننده‌ای که در اثر محدودیت‌های ازدیاد نسل متصور است، به‌طور جدی مطرح و قابل تامل است. در این میان وضعیت کاهش جمعیت ایران طی دهه‌های آینده بسیار وخیم بوده و توجه جدی به رسانه‌های کشور و برنامه‌ریزی را می‌طلبد. در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان نرخ فرزندآوری در ایران بسیار نگران‌کننده است. زنان ایرانی با دارا بودن ۱/۸۷ فرزند در جایگاه ۱۴۴ ام جدول جهانی فرزندآوری قرار می‌گیرند. در حالی که اسرائیل در رتبه ۷۵، آفریقای جنوبی ۹۷، برزیل ۱۰۶، ترکیه ۱۱۰، فرانسه ۱۱۸، آمریکا ۱۲۲، و انگلیس رتبه ۱۳۷ را در این جدول به خود اختصاص داده.

کاملاً آشکار است که اسرائیل و کشورهای اروپایی سیاست‌های جدی تشویق به زاد و ولد را اجرا می‌کنند و در این میان با توجه به آمارهای منتشر شده، صهیونیست‌ها از دیگران پیشی گرفته‌اند. در حالی که سیاست تبلیغ کاهش جمعیت از سوی دنیای غرب شروع و پیگیری شده، اما امروز این رتبه ایران است که در جدول آمارهای فرزندآوری بیش از ۲۰ پله از آمریکا عقب بوده و این

رتبه برای اسرائیل دو برابر ایران است. بدین معنی که تعداد فرزندان در یک خانواده ایرانی کمتر از تعداد فرزندان در یک خانواده صهیونیست اسرائیلی یا یک خانواده آمریکایی است.^۱

و بر اساس پیش‌بینی‌های آماری منتشر شده از طرف سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰ در صورتی که کاهش رشد جمعیت کشور ما با نرخ فعلی ادامه یابد در ۸۰ سال آینده ایران جمعیتی حدود ۳۱ میلیون نفر خواهد داشت که نزدیک به نصف آن را افراد بسیار پیر تشکیل می‌دهند و در نتیجه با توجه به عدم وجود نیروی انسانی کافی عملاً کشور دست‌خوش تهدیدهای بزرگ امنیتی و اقتصادی خواهد شد. هم‌اکنون ایران یکی از ۱۰ کشوری است که جمعیت آن به سرعت به سمت کهن‌سالی پیش می‌رود و متأسفانه هنوز هم تبلیغ کاهش زادآوری حتی در رسانه‌های رسمی و دولتی ادامه دارد.^۲

بر همین اساس سیاست‌های افزایش جمعیت در آستانه قانونی شدن می‌باشد و در آینده‌ای نزدیک سیاست‌های تشویقی افزایش جمعیت به صورت قانونی در خواهد آمد.^۳ بنابراین سیاست جمعیتی ایران رویکرد افزایش جمعیت را در سال‌های آتی دنبال خواهد نمود.

دیدگاه علمای اسلامی، پس از انقلاب اسلامی

۱- دهه اول از انقلاب اسلامی

در بررسی دیدگاه‌های علمای اسلامی، درباره جلوگیری از رشد روزافزون زاد و ولد، پس از انقلاب اسلامی، باید گفت که بحران‌های آغازین روزها و ماه‌های انقلاب مقدس اسلامی و بروز جنگ نابرابر و ناخواسته علیه ایران و تبلیغات منفی علیه جلوگیری از زاد و ولد در پیش از انقلاب اسلامی، از انگیزه‌ها و سبب‌های مهم و بازدارنده‌ای بود که به دهه سکوت صاحب‌نظران، استادان،

۱- www.Pajoohe.Com

۲- www.Rajanews.Com

۳- rc.Majlisir

دانشمندان اقتصادی و جامعه‌شناسی و در پی آن به فراموشی سپاری سیاست‌گذاران جمعیتی انجامید.

بنابراین، جامعه ایران، در دهه اول پس از انقلاب، چندان شاهد اظهار نظرهایی در این مورد نبوده است.

دهه پس از انقلاب، تا کنون

در فرایند دهه دوم انقلاب، حرکت شتابان رشد زاد و ولد، همه نگاه‌ها را به سوی خود کشاند. همه اندیشوران، چه آنان که با انبوه شدن و بسیاری زاد و ولد مخالف بودند و چه آنان که موافق، ناگاه با زاد و ولد گسترده و روزافزونی روبه‌رو شدند که توانایی‌های موجود کشور به هیچ روی پاسخ‌گوی خواسته‌های به حق آنان نخواهد بود.

بنابراین، عالمان و فقیهان اسلامی که پیش از این مخالف سیاست ساماندهی خانواده و جلوگیری از گسترش زاد و ولد بودند، بیشتر با درک نیازها و بایسته‌های زمانی و درنگ و دقت روی نظر دانشمندان جامعه‌شناسی و اقتصادی، به این نتیجه رسیدند که بدون نگره داشت و به مهار در آوردن رشد زاد و ولد، برنامه‌ریزی صحیح و حفظ تمامیت نظام ممکن نیست. بر این اساس، یا از دیدگاه‌های پیشین خود برگشتند و یا به دلیل پذیرش مردمی نداشتن، ناسازگاری را مصلحت ندیدند.

در این دوره، در میان عالمان دینی، تنها، آقای حسینی تهرانی به روشنی با سیاست سامان خانواده به ناسازگاری برخاست و با نگارش رساله نکاحیه و کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین، سیاست مهار زاد و ولد و پذیرندگان آن را به باد انتقاد شدید گرفت و نوشت:

امروز، مسئله کنترل جمعیت و شعار «جمعیت کمتر، زندگی بهتر» به قدری جدی گرفته شده و هیاهو و تبلیغات بر سر عواقب و خطراتی که برای آن شمرده می‌شود به قدری فراگیر گشته که کمتر کسی مجال تفکر، تحلیل و یا احیانا تشکیک در این مسئله را درمی‌یابد و متأسفانه این

جوزدگی، چنان حاکم گشته که حتی از سوی کسانی که انسان کوچک‌ترین شکی در خلوص نیت و دل‌سوزی‌شان برای جامعه و اسلام ندارد، عکس‌العمل‌های انفعالی و جانب‌داری مشاهده می‌شود، تا حدی که گاه انسان متحیر می‌ماند که چگونه عقل سلیم و ذهن حکیم تحت تاثیر تبلیغات فریبنده‌ای قرار گیرد که با اندکی توجه و دقت، نادرست بودنشان قابل تشخیص است.

محدوده کشور ایران، به تصدیق کارشناسان داخلی و خبرگان خارجی، از جهت استعداد و کثرت زمین‌های حاصل‌خیز و قابل کشت و زارعت و باغداری و دام‌داری، وفور آب و رودخانه‌ها و امکان آبگیرها، و از جهت انواع معادن، می‌توان از مرغوب‌ترین کشورهای جهان به حساب آورد و ظرفیت آن را دارد که به آسانی و راحتی ۲۰۰ میلیون نفر را در مهد خود بپذیرد و بپرورد.

اما امروزه می‌بینیم که از جهت کمبود افراد کشاورز در کشتزارها و باغ‌ها، و از جهت کمبود افراد کارگر در کارخانجات، در مضیقه‌ای عجیب به سر می‌بریم.

وی سیاست سامان‌دهی خانواده را، سیاست القا شده از سوی استکبار می‌انگارد که با رحلت امام خمینی (رحمه الله علیه)، در کشور مطرح و به اجرا گذاشته شد.^۱ و امروزه کارشناسان معتقدند، آمار و ارقام شاخص‌های رشد باروری در کشور از مرز هشدار عبور کرده است؛ کارشناسان هشدار می‌دهند اگر تا سال ۹۵ فکری برای اصلاح رشد جمعیت نکنیم در چاله جمعیتی قرار می‌گیریم.

ورود نرخ رشد جمعیت و شاخص باروری به فاز بحران، هشدار بود که چندی پیش وزارت بهداشت نیز آن را اعلام کرد. با وجود این و با تمام تدابیر، جلسات و نشست‌های اضطراری شورای عالی انقلاب فرهنگی مجلس شورای اسلامی و مرکز زنان و خانواده هنوز مصوبات این موضوع، از روی کاغذ به مرحله اجرا نرسیده است. این در حالی است که بنابه تاکید رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان هم‌اکنون با سونامی پیری جمعیت مواجه هستیم و اگر تا سال ۱۳۹۵ اقدامی

۱- حسن رهبری، همان کتاب، ص ۳۲.

اساسی صورت نگیرد، در چاله جمعیتی گرفتار می‌شویم؛ چالهای که بیرون آمدن از آن کار آسانی نیست.^۱

۱ - روزنامه جوان، شماره ۳۹۶۰.

بخش دوم

مخالفان افزایش جمعیت

فصل اول: دیدگاه مخالفان افزایش جمعیت

در میان مخالفان افزایش جمعیت، در دوره‌های قدیم از نظریات برخی فلاسفه و متصوفه، و در دوره‌های جدید از نظریات مالتوس و پیروان او و نومالتوسیان، می‌توان نام برد. به جز دیدگاه‌های بدبینانه برخی متصوفه درباره افزایش جمعیت، غالب دیدگاه‌های مخالف با افزایش جمعیت، بر محورهای اقتصادی و اجتماعی دور می‌زند.

نظریات فلاسفه و متصوفه

دو فیلسوف نام‌دار یونانی یعنی افلاطون و ارسطو، از مخالفان افزایش جمعیت بوده‌اند. در کشورهای یونان و روم، حالت‌های اشرافی‌گری وجود داشت و این روحیه آن‌ها را وامی‌داشت که از تولید نسل اجتناب ورزند. به طوری که سقط جنین، کشتن نوزاد و سرراه گذاشتن کودکان متداول بود.

پیروان مکتب تصوف نیز غالباً روابط زناشویی را نوعی مانع برای خودشناسی و تزکیه نفس و توجه به امور معنوی تلقی کرده‌اند؛ از این رو توصیه می‌کنند که این نوع وابستگی‌ها حتی المقذور باید کاهش یابد. در میان متفکران اسلامی نیز از این‌گونه عقاید مشاهده می‌شود؛ در این میان از غزالی و خواجه نصیرالدین طوسی می‌توان نام برد.

غزالی زادن زنان را به نوعی تقبیح می‌کند. او زایمان را مجازات الهی به دلیل تخلف از دستور - که نباید آدم و حوا گندم بهشتی را می‌خوردند - معرفی کرده است.

خواجه نصیرالدین طوسی معتقد است که اگر همه انسان‌ها با وجود توالد، جاودانه می‌مانند به هیچ وجه در زمین نمی‌گنجیدند و مشکلات بی‌حدی به ظهور می‌رسید. این است که مرگ نه تنها مذموم نیست بلکه خود نعمتی است.

البته این که مستفاد از سخن ایشان، مخالفت با افزایش جمعیت باشد قابل مناقشه است. این سخن بیش تر به حکمت مرگ و وجود آن - که نعمتی برای بشر محسوب می شود - ناظر است نه آن که مخالفت جدی با افزایش جمعیت و نسل داشته باشد همچنین است سایر سخنان زهدگرایانه ای که ذکر می شود، زیرا ظاهر بیش تر این سخنان، به نعمت مرگ و یا در مقام بیان دوری از لذات دنیوی ناظر است، نه آن که به مسئله جمعیت و مخالفت با افزایش آن توجه داشته باشند، از این رو به حساب آوردن آن ها در زمره مخالفان افزایش جمعیت تامل دارد.^۱

نظریات اقتصاد دانان و جامعه شناسان

مهم ترین نظریات مخالف با افزایش جمعیت در چند قرن اخیر، در میان اقتصاددانان و جامعه شناسان یافت می شود. این گروه که تحقیقات آن ها به شواهد و مدارک علمی مستند است، می کوشند تا با کشف برخی قوانین، ثابت کنند که جمعیت زیاد به طور کلی باعث فقر و بدبختی می شود.

آن ها در چند قرن اخیر، بیشترین سهم را در ابراز عقاید مخالف با افزایش جمعیت داشته اند. در میان اقتصاددانان از نظریات مالتوس، آدام اسمیت، دیوید ریکاردو، و به طور کلی مالتوسیان جدید یا نئومالتوسیان می توان نام برد.

مالتوس

مالتوس غالباً سردمدار مخالفان افزایش جمعیت در دوره های جدید شناخته شده است. از آن جا که اغلب طرفداران افزایش جمعیت، به ویژه در میان دانشمندان مسلمان، به شدت با نظریات وی مخالفت ورزیده اند در این جا به اختصار به آرا و دیدگاه های وی اشاره می کنیم:

۱ - محمد هادی، طلعتی، رشد جمعیت، تنظیم خانواده و سقط جنین، انتشارات بوستان کتاب، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳، صص ۵۱ و ۵۲

رابرت مالتوس (۱۷۶۶-۱۸۳۴م) کشیش، اقتصاددان و جامعه‌شناس انگلیسی در دانشگاه کمبریج درس خواند. در سال ۱۷۹۸، در ۳۲ سالگی رساله معروف خود را به نام رساله درباب اصول جمعیت بدون نام مولف منتشر کرد. سپس به سفری طولانی رفت و در بازگشت در سال ۱۸۰۳ همان کتاب را تحت عنوان (تحقیق در اصل ازدیاد نفوس و تاثیر آن در سعادت بشر) به چاپ رسانید. کتاب وی چندین بار به چاپ رسید و طی یک قرن فکر مردم را در سراسر جهان تحت تاثیر قرار داد.

وی مسئله جمعیت را از نظر نتایج اجتماعی آن مطالعه می‌کرد و می‌خواست بداند که آیا افزایش جمعیت موجب خوشبختی انسان‌هاست یا بدبختی و نابسامانی آن‌ها. تحقیق در این مورد او را به بدبینی عجیبی نسبت به افزایش جمعیت دچار کرد.

عقاید او در بسیاری از موارد، با نظریات گذشتگان و هم‌عصران وی مخالف بود. وی معتقد بود که منشا بدبختی انسان، خود انسان و غرایز نفسانی اوست نه جامعه. وی در جست‌وجوی عللی که مانع سیر انسان به سوی خوشبختی می‌شوند، به این نتیجه رسید که علت اساسی این مسئله عبارت است از تمایل دائمی همه موجودات زنده به تکثیر و افزایش نسل. بنابراین مهار کردن جمعیت را امری ضروری تشخیص داد.

وی برای بیان نظریه خود، وقایع قرون هفدهم و هیجدهم و اوضاع سیاسی، اجتماعی حاکم بر آن دوره را مطالعه و بررسی کرد و بخشی از نظریات او نیز بیش‌تر جنبه بدبینانه داشت، زیرا بیش از اندازه بر مانع اخلاقی تاکید می‌نمود. او که خود کشیش نبود در اوایل قرن نوزدهم از ریاضت اخلاقی طرفداری می‌کرد؛ معتقد بود که باید از ازدواج در سنین جوانی احتراز کرد تا وسایل ارتزاق خانواده فراهم گردد. وی صراحتاً به این عقیده داشت: «انسان باید زادوولد نکند، مگر آن‌که به امکان تغذیه و تربیت فرزندان خود اطمینان داشته باشد.»

وی دیدگاه خود را در سه پیشنهاد بیان می‌کند:

- ۱- جمعیت لزوماً از طریق وسایل امرار معاش تحدید می‌شود.
 - ۲- جمعیت همواره در جایی که وسایل امرار معاش زیاد می‌شود، افزایش می‌یابد، مگر این‌که از طریق برخی وسایل جلوگیری قاطع و مسلم، از ازدیاد آن ممانعت شود.
 - ۳- این وسایل جلوگیری از سه راه: خودداری اخلاقی، فساد و بدبختی قابل اجرا هستند؛ موقعیت‌ها و خصوصیات که فساد و بدبختی را ایجاد می‌کنند، مانند: جنگ‌ها، بلاها و ... وسایل مثبت جلوگیری هستند و خودداری اخلاقی، «وسیله جلوگیری ممانعت کننده» است، منظور از این خودداری، تاخیر مصلحت آمیز ازدواج به منظور اجتناب از توالد و تناسل است، آن‌گاه که فرد به حفظ و حمایت از بچه‌هایش توانا نیست.
- چنین نظریه‌های بدبینانه‌ای، مورد انتقاد بسیاری از اصلاح طلبان و طرفداران نظریه ترقی دائمی بشر مانند: گدوین، کندرسه قرار گرفت. بخشی از شهرت مالتوس، به دلیل ایرادها و انتقادات مخالفان نظریه وی می‌باشد. البته به اعتقاد برخی صاحب نظران، وی بعدها در افکار خود تجدید نظرهایی به عمل آورد و نظریه‌های خوش‌بینانه‌ای نیز بیان نمود؛ لذا صادق‌ترین نظریه‌های جمعیتی وی را باید در چاپ دوم کتاب معروفش جست‌وجو کرد و به آن‌ها توجه نمود. به هر روی این عقاید در زمان خود وی و پس از او، تأثیرات زیادی گذاشت و از زوایای مختلف مورد بررسی و انتقاد قرار گرفت.^۱
- انتقاد به نظریه مالتوس:** انتقادات زیادی به نظریه وی شد و در واقع از مدت‌ها پیش دانشمندان اقتصادی و اجتماعی آن را رد کرده‌اند. بخشی از این انتقادات از جنبه اقتصادی است. مهم‌ترین انتقادی که در این مقام شایان ذکر است این است:
- تحقق کاهش میزان مولید نه بر اساس پیش‌بینی‌ها و پیشنهادات مالتوس در باب مانع اخلاقی، بلکه از طریق وسایل جلوگیری از بارداری پس از ازدواج است.

۱- حاتم حسینی، مبانی نظریه مالتوس، ۱۲ بهمن ۱۳۸۷.

توضیح آن که مالتوس در برابر افزایش طبیعی جمعیت و عدم تعادل میان مواد غذایی با آن، موانعی را پیشنهاد می‌کند. موانع مثبت مانند: مرگ و فقر و بیماری، و موانع اخلاقی، که بیش‌تر منظورش تاخیر انداختن در امر ازدواج است. وی مانع اخلاقی را ترجیح می‌داد و صراحتاً عقیده داشت: «انسان باید زادوولد نکند مگر آن‌که به امکان تغذیه و تربیت فرزندان خود اطمینان داشته باشد.»

اما آیا کاهش جمعیت با تاخیر در امر ازدواج و مجرد اجباری تحقق می‌پذیرد؟ مسلماً خیر، زیرا روش‌های جلوگیری از حاملگی پس از ازدواج، مهم‌ترین نقش را در کاهش باروری و جمعیت در کشورهای مغرب زمین داشته است. تنها یک کشور غربی یعنی ایرلند کاتولیک مذهب، از اندیشه وی پیروی نمود و در ابتدا از طریق تاخیر در ازدواج، به جلوگیری از باروری موفق گردید تا از راه جلوگیری از موالید پس از ازدواج.

به هر حال نظریه وی در این جنبه نیز جواب نداد و با اشکال روبه رو شد. خانواده‌های غربی، اندازه خانوار را با میل و اراده و رغبت خویش و نه به جهت جلوگیری از گرسنگی و بیماری، محدود کردند. بنابراین نمی‌توان نتیجه گرفت که وسایل محدود معیشت، عامل عمده جلوگیری از باروری بوده است. در کشورهای غربی، وضعیت خاص دنیای صنعتی و میل به ارتقای سطح زندگی و رفاه بیش‌تر موجب شده که روند خانواده‌ها به سوی خانواده‌های کوچک‌تر میل نماید و لذا برای حفظ وسایل راحتی و آسایش خود از بچه‌آوری اجتناب نمایند.

بدین ترتیب، باید اذعان کرد که این نظریه، دارای اشکالات فراوانی بوده و از مدت‌ها پیش دانشمندان اجتماعی آن را رد کرده‌اند.^۱

۱- مریم امینی یخدانی، نقد نظریه مالتوس، پژوهشکده باقرالعلوم (علیه السلام).

نومالتوسیان:

بعد از مالتوس، نومالتوسیان (مالتوسیان جدید) در نیمه دوم قرن نوزدهم تحت اندیشه‌های مالتوس و با بهره‌گیری از نظریات او، به پشتیبانی از جلوگیری از افزایش جمعیت برخاستند. فرانسویس - پلاس، نخستین کسی بود که این افکار را مطرح کرد. در ۱۸۷۷، دکتر دریس‌دال، از رهبران و پیش‌گامان مشهور نهضت مالتوسیانیسم، «جمعیت مالتوسیان» را تأسیس کرد و یک سال بعد، اولین درمانگاه جلوگیری از موالید در آمستردام گشایش یافت. در سال ۱۹۰۰ نخستین کنفرانس «مالتوسیان جدید» برگزار شد.

این نهضت با استقرار کاملش در اوایل قرن بیستم در انگلستان و آمریکا به طور جدی به- وسیله اتحادیه‌های گوناگون حمایت و اداره می‌شد- کلیه اقدامات خود را در مسیری که از نظر کیفیت کار و روش‌های بهبود نسل اساسی بود، متمرکز کرد. در این زمان به مراتب بیش از پیش، کلینیک‌ها درباره روش‌های کنترل موالید تبلیغ کردند.

در این جا باید بدین نکته توجه داشت که مالتوس برای جلوگیری از افزایش جمعیت، الزامات اخلاقی را پیشنهاد کرده بود، در حالی که مالتوسیان جدید، حتی استفاده از وسایل غیرمشروع و غیراخلاقی را برای جلوگیری از افزایش بی‌رویه جمعیت به صلاح می‌دانستند. بنابراین بین دو نظریه تفاوت زیادی وجود داشت، اما بسیاری از نظریات مالتوسیان جدید به مالتوس نیز نسبت داده شد.

این نهضت که در ابتدای ظهورش حالتی تعرضی و پرخاش‌گرانه داشت، حساسیت‌هایی در میان مجامع دینی برانگیخت؛ در کشورهای غربی پس از چندی مورد قبول دولت و تا حدودی مذهب قرار گرفت و این جریان نیز حالت سازنده‌تری به خود گرفت. در این زمینه تغییر نام

«انجمن ملی کنترل موالید» به «انجمن بهداشت و تنظیم خانواده» در انگلستان طی سال‌های ۱۹۳۰، کاملاً معنادار است.^۱

بنابراین می‌توان گفت که مخالفت با رشد جمعیت اندیشه‌ای بود که در غرب شکل گرفت اما باید گفت که آن‌ها هرگز برنامه‌ای مدون برای کنترل جمعیت نداشته و ندارند، بلکه با ایجاد شدن ارزش‌های مادی اجتماعی جدید از قبیل رفاه طلبی، فردیت‌خواهی، اشتغال زنان، آزاد شدن به تمام معنی روابط نامشروع جنسی، قوانین مربوط به کمک به فرزندان نامشروع و ترجیح آن‌ها بر فرزندان مشروع و ... دیگر نیازی به برنامه کنترل جمعیت نبود تا مردم آن کشورها در چارچوبه سیاست‌گذاری‌های کنترل جمعیت قرار گیرند.

پس شعار «کنترل جمعیت» تنها تلاش ظاهری برای سرپوش گذاردن بر فساد روابط جنسی نامشروع جامعه اروپائی و آمریکائی است.^۲

با این وجود که غربی‌ها خود برنامه‌ای برای کنترل جمعیت نداشته و ندارند ولی همین غربیان و استکبار جهانی برای تامین منافع خود و با انگیزه‌های سیاسی این طرح را وارد کشورهای جهان سوم و بویژه کشورهای مسلمان از جمله کشور عزیز ما ایران نمودند و متأسفانه بسیاری از کارشناسان جمعیت در کشور به سادگی از همه مسائل و واقعیت‌های موجود در بحث کنترل جمعیت چشم‌پوشی کرده و کنترل جمعیت، تنظیم خانواده و بهداشت زادآوری را دقیقاً در همان الگویی که غربیان ارائه نمودند، پذیرفته و اجرا نمودند که در ادامه پیامدهای منفی آن را در جامعه امروزی و در آینده بررسی خواهیم نمود.

۱- محمد هادی طلعتی، همان کتاب، صص ۵۸ و ۵۷.

۲- سید محمدحسین، حسینی طهرانی، کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین، انتشارات علامه طباطبائی و موسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلامی، ۱۴۳۱ ه.ق، ص ۱۱۸.

فصل دوم: ادله مخالفان افزایش جمعیت

۱- فقر و مصرف زدگی

رشد جمعیت، می‌تواند پیامدهای ناخواسته زیادی برای کشورهای جهان سوم در پی داشته باشد؛ از جمله فقر و بیکاری و مشکلات معیشتی. اما کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته تا حدودی از این عواقب مصون هستند؛ زیرا در این کشورها جمعیت دارای رشد سریع و نامتوازن نیست. علاوه بر این‌که، سطح نسبی رفاه در این کشورها، اجازه خودنمایی غبار فقر، بیکاری و عدم اشتغال را نمی‌دهد. اما باید به این نکته توجه نمود که افزایش جمعیت برای کشورهای در حال توسعه - که نرخ کنترل جمعیت ثابتی دارند - به دلیل مصرف بالا، و این‌که مصارف آن‌ها در حد مسرفانه است، چنین جوامعی را با بحران‌های خاصی نظیر بحران‌های زیست محیطی، پیری جمعیت، و پدیده سالخوردگی روبه‌رو کرده است.

بنابراین، رشد جمعیت برای کشورهای فقیر و توسعه نیافته، معضل فقر و بیکاری و عدم توسعه را به دنبال دارد. سازمان ملل در گزارش خود تحت عنوان «وضعیت جهان در سال ۱۹۹۰» اعلام می‌کند در دنیایی که حتی قادر به تامین بیش از نیمی از نیازهای اساسی جمعیت خود، بخصوص در کشورهای روبه توسعه نیست، رشد جمعیت فاجعه‌ای برای نوع بشر است. از جمله مهم‌ترین آثار رشد جمعیت در کشورهای مزبور، تاثیر منفی آن بر رشد اقتصادی است. برای درک این موضوع کافی است که به این نکته مهم توجه شود که جمعیت اضافه شده، **هم نیاز من کالاها** و خدمات جدید و هم اشتغال و فرصت‌های شغلی جدید است که هر دو، در گرو سرمایه‌گذاری‌های جدید است. اما کشورهای در حال توسعه و فقیر در تامین سرمایه‌های موردنیاز خود با مشکلات عدیده‌ای مواجه‌اند. بنابراین این‌گونه کمبودها به موازات افزایش جمعیت، فقر را نیز به دنبال دارد.

اصولا در کشورهای فقیر و توسعه نیافته، که میزان رشد جمعیت آن‌ها بالاست، بخش اعظم جمعیت اضافی، کودکان و نوجوانان هستند که عمدتاً مصرف کننده می‌باشند و اندک مکان سرمایه گذاری مجدد در این کشورها را نیز می‌بلعند. بنابراین، رشد شتابان و بی ضابطه جمعیت این کشورها را می‌توان یکی از موانع مهم رشد و توسعه اقتصادی و یکی از عوامل تعمیق فقر عمومی در کشورها به حساب آورد.

۲- افزایش بزهکاری و جرائم اجتماعی

برخی کارشناسان از جمله پیامدهای افزایش جمعیت را افزایش بزهکاری و جرائم اجتماعی می‌دانند. در همین زمینه سازمان ملل در گزارش، تنش‌ها و ستیزهای اجتماعی را تحت تاثیر انفجار جمعیت تلقی کرده است که کم و کیف جرم‌ها و تشنجات حاصل از آن فزونی یافته و جامعه با افزایش انواع جرایمی چون دزدی، سرقت مسلحانه، تجاوز جنسی، اعتیاد، فحشا، ضرب و جرح و قتل، به ویژه در مراکز شهری رو به رو گردیده است. به عبارت دیگر، با فزونی جمعیت، تامین نیازها و مایحتاج عمومی با مشکلات مواجه خواهد شد. از این رو، جامعه به سمت بزهکاری و معضلات اجتماعی روی می‌آورد.

۳- مهاجرت، شهرنشینی و کمبود مسکن

از دیگر پیامدهای رشد جمعیت، افزایش بی‌رویه مهاجرت، شهرنشینی و در نتیجه، کمبود مسکن، یکی از عوارض ناخواسته رشد شتابان جمعیت است که فضای سکونت را به حداقل ممکن تقلیل داده، امور رفاهی را از مسکن، که باید جای آرامش و سکونت باشد، سلب می‌کند. در جامعه‌ای که رشد فزاینده جمعیت، به خصوص شهرنشینی بالاست، و امکانات کم نیز در شهرها متمرکز است و روستاها فاقد کمترین امکانات و زیرساخت‌های لازم برای توسعه هستند، و منابع کافی در روستاها برای توسعه و بازسازی و گسترش امکانات وجود ندارد، با شهرنشینی فزاینده مواجه

خواهیم بود که به نوعی با پدیده‌هایی هم‌چون کمبود مسکن و حاشیه نشینی مواجه خواهیم بود که بستر مناسبی برای رشد انواع مفاسد اجتماعی است. در حال حاضر میزان رشد جمعیت شهرها در کشورهای در حال توسعه، سه برابر کشورهای پیشرفته می‌باشد که مشکلاتی هم‌چون گسترش ناموزون شهرها، ترقی بی‌سابقه قیمت زمین و ساختمان، آلودگی محیط زیست، دگرگونی بافت محل‌های سکونت، ظهور شهرک‌های قارچی و پیش بینی نشده، حاشیه نشینی، مشکلات ترافیک، افزایش جرم، بروز مشاغل کاذب و صدها عارضه بیمارگونه دیگر، عمدتاً معلول رشد انفجاری جمعیت بوده و مهاجرت‌های بی‌رویه را پدید آورده است. در بیش از ۵۰ درصد رشد جمعیت شهری در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مربوط به آهنگ پرشتاب مهاجرت از روستا به شهر است.^۱

۴- پایین بودن سطح بهداشت، عوارض زیست محیطی و سوء تغذیه

به موازات افزایش جمعیت و عدم امکان توسعه در جامعه، با ناهنجاری‌هایی هم‌چون پایین بودن سطح بهداشت جسم و روان، عوارض زیست محیطی و سوء تغذیه مواجه خواهیم بود.^۲ و یکی از جنبه‌هایی که در برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی مورد توجه بوده و با رشد جمعیت در ارتباط است، بهداشت است. هم‌بستگی نیاز به خدمات بهداشت فردی با رشد جمعیت، مستقیم و بسیار بالاست. به اعتقاد کارشناسان، بالا بودن میزان رشد جمعیت مانع نیل به استانداردها در این نوع خدمات خواهد بود.^۳

برهمن اساس، سازمان ملل متحد، معتقد است: رشد بی‌رویه جمعیت به عنوان یک فاجعه- ای برای نوع بشر، مسایل و دشواری‌های مختلفی در زمینه سلامت انسانی چون سوء تغذیه، اعتیاد و

۱- محمد فولادی، سیاست کنترل جمعیت و آثار و پیامدهای آن، فصل نامه فرهنگی اجتماعی معرفت، سال سوم شماره اول، زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۵۳-۱۸۰.

۲- همان

۳- محمد هادی طلعتی، همان کتاب، صص ۸۲ و ۸۴.

عدم رعایت بهداشت را در پی دارد به نحوی که هم‌اکنون دامنگیر بسیاری از ساکنان این کره خاکی شده است. هم‌چنین برخی تحقیقات نشان می‌دهد برخی ناهنجاری‌های رفتاری و تعارض-هایی که سرانجام آن به مشکلات عاطفی شدید منجر می‌شود، از پیامدهای رشد سریع جمعیت می‌باشد.^۱

بررسی‌ها نشان می‌دهد رابطه معنی داری بین رشد جمعیت و سطح بهداشتی وجود دارد. کشورهای دارای رشد جمعیتی بالاتر، از نظر بهداشتی در وضعیت نامناسب‌تری قرار دارند. این کشورها از نظر سطح درآمد و توسعه اقتصادی نیز در موقعیت پایین‌تری واقع شده‌اند و از این جهت در مقابل عوامل بیماری‌زا آسیب‌پذیرترند. آمارها نشان می‌دهد بیش از ۷۳ درصد از جمعیت ۱۱/۸ میلیون نفری ۱۵-۲۴ ساله قبلا به ایدز در سال ۲۰۰۱، در کشورهای جنوب صحرای افریقا زندگی می‌کردند و حال آن‌که تنها ۲ درصد از این مبتلایان در کشورهای صنعتی سکونت داشتند. بنابراین رشد بالای جمعیت مانع توسعه یافتگی شده و از طرف دیگر توسعه نیافتگی، مشکلات جدی در مورد سلامت و بهداشت جمعیت‌ها پیش آورده است.^۲

۵- عوارض زیست محیطی

در حال حاضر یکی از نگرانی‌های عمده جوامع بشری حفظ محیط زیست است. در دهه‌های اخیر آسیب‌های فراوانی به محیط زیست وارد شده است. هر چند عوامل متعددی در این آسیب-رسانی دخالت داشته‌اند، هم‌چنین می‌نماید که افزایش جمعیت مستقلا در این واقعه نقش دارد. به لحاظ تاریخی می‌توان رابطه جمعیت و محیط‌زیست را به این صورت ترسیم کرد: در دوره ماقبل صنعتی به علت پایین بودن سطح فناوری و دانش پزشکی، تغییر در تعداد عددی جمعیت‌ها تا حد

۱- محمد حسین عامری، رشد جمعیت و مشکلات ناشی از آن، یکشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۹۲.

۲- حسین محمودیان و ... دیگران، دانش خانواده، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳، ص ۵۴.

زیادی تابع عوامل طبیعی و زیستی بود. عوامل طبیعی نظیر سیل، زلزله، نوسان درجه حرارت، خشکسالی و اپیدمی‌های بزرگ گاهی اوقات جمعیت‌های انسانی را تا مرحله انقراض به پیش می‌بردند. در نتیجه در این دوره، غلبه با محیط بود. وقوع انقلاب صنعتی و در نتیجه صنعتی شدن جوامع امکان کنترل بسیاری از بلایای طبیعی را فراهم آورد. این امکان که با افزایش جمعیت، احداث کارخانه‌ها، گسترش راه‌ها، افزایش شهرنشینی و استفاده فزاینده از سوخت‌های فسیلی و مواد شیمیایی همراه بود، رابطه محیط زیست و انسان را به نفع انسان تغییر داد و غلبه انسان بر طبیعت را آشکار کرد.

افزایش جمعیت مساحت فضای آزاد را کاهش می‌دهد و در نتیجه سهم سرانه افراد از فضای آزاد کاهش می‌یابند. بسیاری از زمین‌های کشاورزی اطراف شهرها در نتیجه گسترش و توسعه شهری به ساخت اماکن مسکونی و کارخانه‌ها اختصاص می‌یابد. گسترش حمل‌ونقل و توسعه راه‌ها نیز در این کاهش دخالت دارند. افزایش جمعیت به طور غیرمستقیم نیز بر محیط‌زیست اثر می‌گذارد، برای تامین مواد غذایی جمعیت در حال افزایش، حجم استفاده از آب‌های شیرین به منظور آبیاری زمین‌های کشاورزی افزایش یافته در نتیجه تامین آب سالم برای جمعیت‌ها با مشکل مواجه می‌شود. تخلیه بسیاری از فاضلاب‌ها و زباله‌های صنعتی به رودخانه‌ها و دریاها موجب آلودگی آب-ها شده امکان استفاده از آنها را محدود می‌کند.

افزایش گازهای گلخانه‌ای (سی. اف. سی.ها. متان و دی‌اکسید کربن) که بر اثر استفاده از سوخت‌های فسیلی، فعالیت‌های کشاورزی (پرورش دام و گندزدایی شالیزارها) و فعالیت‌های صنعتی حاصل می‌شود موجب گرم شدن جو کره زمین شده است.^۱

کمبود آب و انرژی، تخریب منابع طبیعی و جنگل‌ها، فرسایش خاک یا آلودگی محیط، آلودگی‌های هوا، آلودگی صدا و به طور کلی افزایش بار آلودگی در مناطق شهری به ویژه شهرهای

۱- همان، صص ۴۹ و ۵۰.

بزرگ و پرجمعیت، از جمله مسائلی هستند که بسیاری از کشورهای دنیا با آن‌ها دست به گریبانند. میزان بالای رشد جمعیت و مهاجرت‌های بی‌رویه ناشی از آن، عواملی هستند که به مسائل مرتبط با محیط زیست دامن می‌زنند و از سوی دیگر تخریب و آلودگی محیط زیست اثرهای نامطلوبی را بر انسان‌ها و جوامع انسانی تحمیل می‌نماید.^۱

بنابراین تلاش روزافزون برای بهره‌گیری بیش‌تر از طبیعت برای تامین معاش و رفع نیازهای ضروری جمعیت روبه فزونی و بالارفتن استانداردهای زندگی، که روند تلاش مذکور را تصاعدی بالا می‌برد، موجب عوارض زیست‌محیطی فراوانی برای اکوسیستم زمین شده است.

با توجه به این مسائل و معضلات، اتخاذ سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی در جهت تقلیل مسائل زیست‌محیطی، از طریق تعدیل میزان رشد و توزیع متناسب جمعیت، جایگاه ویژه‌ای در بطن برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورهای مختلف پیدا کرده است.

در پیوست قانون برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران، از جمله عوامل بیرونی موثر بر موقعیت بحرانی محیط‌زیست کشور، عامل رشد بی‌رویه جمعیت، توزیع نامتعادل آن و شهرگرایی برنامه‌ریزی نشده، ذکر شده است. از این رو مخالفان رشد جمعیت، با توجه به مسئله جمعیت و بحران محیط زیست، تعدیل میزان رشد آن را به منظور کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی پیشنهاد می‌کنند.^۲

آن‌چه گذشت، برخی از ادله‌هایی بود که مخالفان رشد جمعیت ارائه نموده و آن‌ها را از پیامدهای منفی رشد جمعیت می‌دانستند. اینک به نقد و بررسی این ادله‌ها می‌پردازیم:

در خصوص پیامد فقر، به عنوان یکی از پیامدهای منفی رشد جمعیت، سوالی مطرح می‌شود مبنی بر این‌که، آیا به راستی جمعیت زیاد، مستلزم فقر است؟ به طور قطع، این الزام پذیرفتنی

۱- محمد حسین عامری، رشد جمعیت و مشکلات ناشی از آن، یکشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۹۲.

۲- محمد هادی طلعتی، همان کتاب، ص ۸۵.

نیست، یعنی لزوماً چنین نیست که همواره جمعیت زیاد ملازم با فقر باشد. برای مثال کشور چین با بیش از ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت، هم‌چنین کشور هند با جمعیتی نزدیک به جمعیت این کشور، جامعه توسعه یافته هستند. هر چند ممکن است در این دو کشور فقر هم وجود داشته باشد. از سوی دیگر، می‌توان بسیاری از جوامع و یا خانواده‌های پرجمعیتی را مشاهده کرد که فقیر نیستند؛ جامعه و یا خانواده‌های پرجمعیتی که به اتکای فراوانی جمعیت و جوانی افراد، فعال و با نشاط بوده و از مشکلات کمی رنج می‌برند. البته، هر چند ممکن است خانواده‌های پرجمعیتی هم وجود داشته باشند که از مشکلات اجتماعی و اقتصادی رنج می‌برند که بیش‌تر این مشکلات به ناکارآمدی دولت‌ها در برنامه‌ریزی درست و عدم استفاده بهینه از امکانات اجتماعی و اقتصادی برمی‌گردد. در عین حال می‌توان پذیرفت که جامعه و خانواده پرجمعیت، مستعد فقر است. در شرایط مساوی خانواده‌های کم‌جمعیت، مشکلات کمتری را تحمل کرده و به مراتب نگرانی‌های کمتری نیز در پیش‌رو دارند. اما هرگز نمی‌توان میان فزونی جمعیت و فقر تلازم برقرار کرد؛ در واقع، رابطه میان این دو عام و خاص من‌وجه است.

کارشناسان بر این باورند که توسعه صنعتی یک دوران رفاه و فراوانی را پدید خواهد آورد. البته اگر سرمایه‌های سرگردان مردم جمع و برنامه‌ریزی مناسب برای توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی صورت گیرد و نیروهای جوان به کارگرفته شود، هم مشکل فقر و بیکاری برطرف می‌شود و هم جامعه توسعه یافته خواهد شد. هرچند توماس مالتوس در اثر خود تحت عنوان رساله‌ای درباره اصول جمعیت، که در سال ۱۷۹۸ منتشر گردید، به انتقاد از این اندیشه‌ها پرداخته است. وی در بحث خود پیرامون ارتباط جمعیت و منابع غذایی معتقد است که افزایش جمعیت با تضاد هندسی صورت می‌گیرد، ولی عرضه مواد غذایی وابسته به منابع ثابت است که تنها با توسعه اراضی تازه برای کشت می‌تواند گسترش یابد. بنابراین، رشد جمعیت معمولاً از وسایل موجود تامین

معیشت پیشی می‌گیرد. در صورتی که اگر میزان رشد اقتصادی را معلول فقدان یا محدودیت فرصت - های شغلی بدانیم، افزایش سریع جمعیت نیز به نوبه خود بر این مشکل می‌افزاید.

در این زمینه باید گفت: اولاً، مثال روشن نقض این دیدگاه، کشور پرجمعیت چین است که دارای میزان رشد اقتصادی بالایی است. ثانیاً، فرض بر این است که هم‌زمان با افزایش رشد جمعیت، برنامه‌ریزی برای رشد اقتصادی تداوم داشته، با وارد شدن نیروهای جوان، مولد و جویای کار، بیش از پیش فرصت‌های شغلی ایجاد و زمینه توسعه اقتصادی فراهم می‌شود. بنابراین، لزوماً فقر پیامد فزونی جمعیت نیست.

از سوی دیگر، هرگز فزونی جمعیت به معنای عقب‌ماندگی و عدم توسعه اقتصادی نیست. وجود منابع انسانی مولد و کارآمد جوان از ارکان اساسی توسعه شمرده می‌شود. جمعیت زیاد، مبنای توسعه را پی‌ریزی می‌کند و حداقلی از جمعیت برای هر توسعه ضروری است. علاوه بر این - که، واقعیت موجود کشورهای جهان از نظر توسعه‌یافتگی و میزان رشد جمعیت، چیزی غیر از این - است؛ زیرا تحقیقات نشان می‌دهد که در کشورهای مختلف جهان، هرگز کم‌جمعیتی مساوی توسعه و نیز پرجمعیتی معادل عقب‌ماندگی نیست؛ زیرا در جهان، کشورهای پرجمعیت توسعه‌یافته و کم‌جمعیت عقب‌مانده بسیاری وجود دارد. این امر بیانگر ابطال پیامدهای منفی افزایش جمعیت می‌باشد. توسعه نیافتگی کشورهایمانند مغولستان و عربستان در عین داشتن جمعیت کم (حدود یک نفر در هر کیلومتر مربع برای مغولستان) و توسعه یافتگی کشورهای نظیر هلند و انگلستان با داشتن جمعیت زیاد یعنی (۳۸۰ نفر در هر کیلومتر مربع برای هلند) قابل تفسیر است. بنابراین جمعیت اعم از زیاد یا کم، رابطه مستقیم با توسعه ندارد. وانگهی جمعیت جوان کارآمد و جویای کار رکن توسعه محسوب می‌شود. در واقع شرایط حداقلی برای توسعه، وجود جمعیت جوان است. هر چند جمعیت زیاد، بالقوه می‌تواند به عنوان مانعی بر سر راه برنامه‌های توسعه قرار گیرد.

علاوه بر این که همه سخن در انفجار جمعیت و غیرقابل کنترل بودن آن، بدون برنامه‌ریزی و ایجاد زیرساخت‌های لازم در این زمینه است. به نظر می‌رسد، آثار و پیامدهای منفی مزبور به این موضوع ارتباط می‌یابد. اما داشتن سیاست‌های تنظیم خانواده و داشتن رشد معقول جمعیت در یک کشور، هم‌زمان با برنامه‌ریزی برای افزایش تولیدات ملی، رشد و توسعه اقتصادی امری پسندیده و ضروری با هر جامعه‌ای می‌باشد. از این رو، باید توجه داشت رشد شتابان، سریع و کنترل نشده و غیرقابل مدیریت جمعیت در هر جامعه‌ای، در صورتی که دولت زیر ساخت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زندگی را برای مردم فراهم نکند، پیامدهای ناگواری در پی خواهد داشت؛ زیرا:

ازدیاد نفوس را به هیچ‌وجه نباید مانعی غیرقابل عبور و یا حتی اساسی تلقی کرد. این پدیده را باید در ردیف مسائلی از قبیل بدی آب و هوا و خشکی و بی‌آبی و سایر موانع طبیعی و جغرافیایی قرار داد. زیرا جاری شدن آب‌های فراوان بر یک زمین متروک به خودی خود مسئله نیست، اگر این آب‌ها به حالت سیلی درآیند و تخمی را که در زمین کاشته شده بشویند و با خود ببرند مضر و خطرناک می‌شوند. ولی اگر تشکیلات صحیح آن‌ها را در نهری جاری و منظمی قرار دهد و از آن راه، تخم‌هایی را که به دقت کاشته شده آبیاری کند، همان آب‌ها خود به منبع ذی‌قیمتی از نیروی تولید تبدیل می‌شوند. به همین جهت هر انسانی که به جمعیت افزوده می‌شود، به خودی خود یک منبع گران‌بهای ثروت و سرچشمه نیروی تولید تازه است. اگر شالوده اجتماعی طوری باشد که استعداد و قدرت استفاده از چنین نیرویی را داشته باشد در این صورت، ازدیاد نفوس نه تنها مشکلی برای جامعه به وجود نمی‌آورد بلکه خود عامل جدید در تسریع رشد و توسعه می‌شود. ولی اگر تشکیلات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بر شالوده‌های نامناسب و پوسیده قرار گرفته باشند، این منبع نه تنها به شکل انسانی گرسنه تجلی می‌کند، بلکه مشکلات اجتماعی را چندین برابر می‌کند.

بنابراین افزایش حساب شده جمعیت، همراه با برنامه ریزی برای توسعه زیر ساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امری ضروری است و اسلام نیز به این امر توصیه می‌کند.

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد بسیاری از پیش‌بینی‌های کارشناسان در خصوص جمعیت و آثار و پیامدهای آن نادرست بوده است؛ زیرا درست است که با افزایش جمعیت، میزان نیاز مبرم به مواد غذایی بیش از پیش زیاد خواهد شد، اما پیشرفت علم و فناوری، میزان تولیدات غذایی و کشاورزی را صد چندان کرده است. در واقع غفلت از این موضوع، بزرگترین اشتباه کارشناسانی چون مالتوس و ارلیش بوده است: ارلیش در دهه ۱۹۶۰ محاسبه کرد که اگر نرخ رشد جمعیت آن دوره ادامه پیدا کند تا ۹۰۰ سال دیگر $۶۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰$ نفر بر روی زمین حضور خواهند داشت. یک فیزیک‌دان نیز به نام فرملین محاسبه کرده است که برای سکنی دادن به چنین جمعیتی، نیاز به ساختمانی ۲۰۰۰ طبقه است که سراسر سطح کره زمین را بپوشاند. حتی در چنین ساختمان شگفت‌انگیزی، تنها دو تا سه متر فضا برای هر نفر موجود خواهد بود.

نکته‌ای که در میان تحلیل‌های جامعه‌شناختی و یا اقتصادی به صورت برجسته به چشم می‌خورد، این است که در اغلب مباحث مربوط به کنترل جمعیت، مشکلات موجود فراروی جامعه انسانی، با تحلیلی یک سویه به رشد جمعیت نسبت داده شده است. برای مثال، ارلازوبنگل می‌نویسد: «واقعیت آن است که بیشتر مشکلات افراد، خانواده‌ها و اجتماع و ملت‌ها به گونه‌ای ناشی از کمیت ساکنان سیاره زمین است.» به نظر می‌رسد مبتنی کردن همه مشکلات جامع بشری نظیر فقر، بیماری‌های واگیردار، فحشا، فروپاشی خانواده‌ها، و یا کم‌رغبتی جوانان به ازدواج، بر افزایش جمعیت موجب شده که علت‌العلل همه معضلات فوق، افزایش جمعیت تلقی شود. در این تحلیل، مقصر اصلی، توده‌های مردم جهان و نهادهایی هم‌چون دین خواهند بود که موافق افزایش جمعیت هستند! آنچه در این میان از آن غفلت شده، وجود سیاست‌های پنهان و آشکار قدرت‌های استعماری در توزیع نابرابر ثروت و سیاست‌های اقتصادی آنان است که برای تداوم نظم نوین

جهانی، محتاج حفظ و نگهداری کشورهای فقیر از یک سو، و فرهنگ مصرف از سوی دیگرند. این یکسونگری در تحلیل‌ها، موجب اختفای علل واقعی مسائل و مشکلات است. برای مثال، وقتی جمعیت جوان کشوری افزایش می‌یابد، موضوع اشتغال، تحصیل، مسکن و ازدواج جوانان به طور جدی مطرح می‌شود، نسبت دادن مشکلات به افزایش جمعیت، بی‌توجهی به اصل مسئله و غفلت از علت اصلی است.

به نظر می‌رسد، با نگاهی خوش‌بینانه و منصفانه، باید پیامدهای مزبور در جوامع توسعه نیافته، که اتفاقاً پرجمعیت و یا دارای رشد جمعیتی بالا هستند، را نه در عامل جمعیت، بلکه در عواملی دیگر ردیابی کرد که نقش جمعیت در این زمینه کم‌رنگ است؛ زیرا از منظر جامعه‌شناختی عواملی چون مرگ‌ومیر، به ویژه کودکان، جنگ‌ها و مناقشات، کمبودها، فقر و عقب‌ماندگی، بزهکاری و انواع آسیب‌های اجتماعی، ناشی از آثار، یا لوازم گسترده مدرنیته و تحولات مربوط به زندگی، سن ازدواج، مسائل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و معیشتی و ... است. جمعیت در این زمینه، عملاً نقش برجسته‌ای ندارد. افزایش جمعیت خود، ناشی از عوامل آشکار و یا پنهان دیگری است. برای مثال برخی بحث کنترل جمعیت را متأثر از جنبش‌های فمینیستی در جوامع غربی و ارتقای جایگاه زنان در جامعه و حضور آنان در عرصه‌ها سیاسی، اجتماعی، هم‌پای مردان قلمداد می‌کنند. به همین دلیل، معتقدند هدف از این مباحث، بالابردن موقعیت اجتماعی زنان و مشارکت دادن بیش‌تر آنان در امور اقتصادی- اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور است. به عبارت دیگر، برنامه‌های کنترل جمعیت، راهبردی برای تشویق زنان برای حضور در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی است.

مدرنیته نیز از دیگر عوامل کاهش جمعیت است و سوغات غربی‌ها برای مشرق زمین است. این سوغات تحمیلی، شیوه‌های زندگی انسان‌ها را به غایت دگرگون ساخته است. تغییر الگوی خانوادگی، فردگرایی، آزادی جنسی، اشتغال تمام وقت زنان، شعار برابری زنان در همه عرصه‌ها با مردان، افزایش هزینه‌های نگهداری و بزرگ کردن فرزندان، به دلیل سیاست‌های مصرف‌گرایی،

حاشیه نشینی و ... عواملی هستند که پیامد طبیعی آنها، کاهش جمعیت است. از این رو، حتی کشورهای توسعه یافته‌ای که با رشد منفی جمعیت مواجه شده‌اند، نتوانسته‌اند با تبلیغات، مردم را به فرزندآوری بیشتر ترغیب کنند و ناچارند مهاجرین و پناهندگان را با سهولت بیش‌تری بپذیرند؛ زیرا ترغیب مردم به ازدواج و بچه‌دار شدن، با وجود مشکلات کنونی زندگی بشر و ساختارهایی که همه به کاهش جمعیت دعوت می‌کنند، کار بسیار مشکلی است.

از سوی دیگر، باید پیامدهای منفی ناخواسته زندگی امروزی را نه در جمعیت زیاد، بلکه در صنعتی شدن جوامع و لوازم آن دانست؛ زیرا از جمله عوامل تاثیرگذار بر فرایند کنترل جمعیت، صنعتی شدن و شهرنشینی کنترل شده و لجام گسیخته است اصولاً صنعتی شدن مستلزم شهر-نشینی است. امکانات شغلی فراوانی که در شهرها پدید می‌آید، موجب روند رشد یک سویه مهاجرت از روستاها به شهرها می‌شود. این امر، علاوه بر این‌که، تلاقی فرهنگی، تلاقی خرده فرهنگ‌ها و تاخر فرهنگی، رشد و گسترش بزهکاری و انواع آسیب‌های اجتماعی را به دنبال دارد، مستلزم رفتارهایی معین و ساختارهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت و مشخص است. از جمله:

۱- شهرنشینی لجام‌گسیخته و کنترل نشده، و نیز تمرکز امکانات در شهرها و عدم توسعه روستاها، سوق دادن روستائیان برای مهاجرت به شهرها.

۲- در شهرها به دلیل وجود امکانات و جذابیت‌های شهری، حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی را در حومه شهرها گسترش می‌دهد. زاغه‌نشینان، مهاجرانی هستند که از مهارت کافی برای ورود به بازار کار برخوردار نیستند.

۳- در حاشیه‌نشینی شبکه رفتاری و اخلاقی خاصی پدید می‌آید. این بافت جدید، مستعد بروز انواع آسیب‌های اجتماعی خواهد بود.

۴- تراکم جمعیت نیز در شهرها، جامعه شهری را به سمت آپارتمان‌نشینی سوق می‌دهد.

۵- آپارتمان‌نشینی، خانواده‌ها را به سمت هسته‌ای شدن و کوچک شدن می‌کشاند.

طبیعی است که بسیاری از این‌گونه پیامدها، ناشی از ناکارآمدی دولت‌ها و برنامه‌ریزی‌های نادرست و توزیع ناعادلانه منابع و امکانات در شهرها و عدم توسعه روستاهاست و اساساً ارتباطی با بحث کاهش و یا افزایش جمعیت ندارد. حتی در خصوص مهاجرت باید گفت: در صورتی که امکان دستیابی به کار مناسب در شهر وجود داشته باشد و از طرفی، شرایط اجتماعی در شهر هم‌چون مسکن، آموزش، بهداشت، تفریحات، رفاه اجتماعی و غیره، قدرت پذیرش انبوه مهاجرت را داشته باشد، مهاجرت روستایی می‌تواند امری مفید در جهت توسعه اجتماع و جامعه شهری باشد.^۱

و در ادامه ادله‌ای که موافقان افزایش جمعیت بیان می‌کنند در واقع پاسخی به ادله مخالفان است که نادرستی ادعاهای این دسته را بیش‌تر اثبات می‌کند.

۱- Marfate farhang. nashriyat.ir

بخش سوم

موافقان افزایش جمعیت

فصل اول: دیدگاه موافقان افزایش جمعیت

تقریباً تمامی ادیان، آیین‌ها و امپراطوری‌های قدیم مانند: ایران، روم و یونان باستان و نیز بسیاری از اقتصاددانان و حتی فاشیست‌های ایتالیایی و آلمانی، همگی از طرفداران افزایش جمعیت بوده‌اند.

احترام به مخلوق پروردگار، نگرانی از نابودی نوع بشر، افزودن معتقدان به یک کیش و آیین خاص، افزایش توان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از نخستین و مهم‌ترین دلایل آن‌ها بوده است. به اختصار به آرای آن‌ها می‌پردازیم.

الف) دوره باستان: روم، ایران و یونان

در روم باستان براساس گزارش‌های تاریخی، قوانین (اگوست)، مشهورترین قوانین در زمینه مسائل جمعیتی است. طبق این گزارش‌ها، در روم باستان میزان مولید زیاد بوده و سپس روبه کاهش گذاشته است؛ به طوری که در دوره امپراطوری روم، برای آن که وارث خانوادگی داشته باشند، بچه‌های دیگران را به فرزندی قبول می‌کردند.

ظاهراً ازدواج در میان رومی‌ها چندان مرسوم نبوده است. (اگوست) قوانینی به منظور سهولت ازدواج، از میان بردن زنان و مشکل طلاق وضع کرد. وی با دخالت در قانون ارث، مجردان و ازدواج کرده‌های بدون فرزند را از ارث محروم کرده و به اشخاصی که حداقل سه فرزند داشتند امتیازاتی در زمینه ارث و مالیات اعطا کرد.

در ایران باستان نسبت به تعداد فرزندان توجه خاصی وجود داشته است. از هرودوت در این-
باره نقل شده است:

((بهترین صفت را پس از رشادت، پارس‌ی در این می‌داند که پسران زیاد به دنیا آورد و

به اشخاصی که بیش از دیگران زادوولد کرده‌اند شاه همه ساله هدیه می‌فرستد.))

در یونان باستان نیز وضعیتی همانند روم از نظر کمی جمعیت وجود داشته است. یونانی‌ها از کمی جمعیت - به ویژه کم‌یابی مردان - رنج می‌بردند به گونه‌ای که شهرها اغلب خالی از سکنه بود و حتی زمین‌های کشاورزی، به علت نبود کشاورزان، بدون کشت و زرع باقی می‌ماند؛ در صورتی که در آن زمان‌ها در یونان قدیم نه بیماری اپیدمی وجود داشت و نه جنگی رخ داده بود که باعث کاهش جمعیت گردد. ظاهراً سقط جنین، کشتن نوزادان، سر راه گذاشتن کودکان - به ویژه دختران - بسیار شایع بوده است.

کاهش جمعیت در شهرهای یونان، موجب در پیش گرفتن سیاست تشویق به فرزند آوری توسط سیاست مداران و دولت‌مردان آن عصر شده بود.

در مجموع می‌توان گفت: در جوامع قدیم به علل اقتصادی، نظامی و یا خانوادگی و علی‌الخصوص این قبیل، از افزودن جمعیت حمایت می‌شده است. به طور مثال در جوامع شبانی و کشاورزی ازدیاد افراد، قدرت اقتصادی گروه را افزایش می‌دهد. در امپراطوری‌ها نیز یکی از اهداف اساسی فرمان‌روایان، ازدیاد جمعیت بوده، زیرا توسعه آن‌ها بدان بستگی داشته است.^۱

(ب) ادیان: زردشت، بودا، یهود و مسیحیت و اسلام

در میان ادیان نیز طرفداری از افزایش جمعیت به شدت وجود داشته است. آیین‌های زردشت، بودا و ادیان بزرگی مانند: یهود و مسیحیت و اسلام، از طرفداران جدی افزایش جمعیت به شمار می‌آیند.

زردشت: در این دین، فرزندآوری امری یزدانی به شمار می‌آید و داشتن فرزندان برومند از افتخارات بزرگ محسوب می‌شود. در اوستا چنین آمده است:

۱- محمد هادی طلعتی، همان کتاب، صص ۴۱ و ۴۳.

((من اهورامزدا، برتری دهم مرد و زن برگزیده را به آن کسی که زن نگرفته، برتری دهم مرد

خانمان دار را به آن کسی که بی خانمان است، برتری دهم کسی را که فرزند دارد به آن کسی که بی فرزند

است...))^۱

بودا: این مذهب، با از بین بردن حیات - به هر نحوی باشد- مخالفت می ورزد و سقط جنین

را منع می کند و اهمیت خاصی به خانواده ها می دهد و ازدواج را برای تولیدمثل و ابقای عادات و

رفتار پسندیده مقدس می داند.

دین یهود: در این دین، باروری و تعداد بارداری برای تکثیر نسل متبرک شناخته شده

است. اشخاصی که دارای اولاد زیاد باشند، زندگی بهتر برای آن ها وعده داده شده و زنان نازا به

داشتن زندگی خفت آور و لعن و نفرین تهدید شده اند.

این دین افراد را به داشتن بچه ملزم می کند؛ هر چند عشق و دوستی هدف مهمی از زندگی

زناشویی به حساب می آید. البته در این میان گروه های ارتدکس یهودی به زن اجازه می دهند که از

روش های به خصوصی برای کنترل فرزندان استفاده کند؛ به ویژه زمانی که حفظ سلامت مادر

ضروری باشد.

مسیحیت: در این دین، با وجودی که گروه های کاتولیک، ارتدکس و پروتستان، بر سر

برخی روش های پیش گیری از بارداری و سقط جنین اختلاف نظر دارند، با تحدید نسل مخالف

هستند و آن را با سفارش های پروردگار مبنی بر افزودن نسل، ناسازگار می دانند. البته امور جنسی،

به نوعی در این دین تقبیح شده است. به لحاظ تاریخی، کلیسای مسیحی از ابتدا به دلیل واکنش

نشان دادن در برابر لذت جویی های امپراطوری روم، نظریاتی عرضه نمود که نهایتاً به برتر داشتن

تجرد بر امر ازدواج انجامید. آن ها به نحوی نظریات روانی را تایید کردند که معتقد بودند تمایلات

جنسی، انسان را پریشان نموده، از تعمق و تأمل درباره واحد، حقیقت، خیر و زیبایی باز می دارد.

۱- محمد جهان فر، مبانی جمعیت شناسی، انتشارات دهخدا، ۱۳۷۶، ص ۱۳.

فرمان مجرد بودن برای مقامات کلیسایی، پس از ظهور مسیحیت و به واسطه نفوذ سنت پل (پولس قدیس) توسط شورای مذهبی واتیکان دوم صادر شده است. کلیسا، تمایلات جنسی را به صورت عملی ناروا تلقی نموده و مجرد را امری افتخارآمیز دانسته است. قانون مجرد هر چند در این دین، پایه و اساسی در متون مقدس ندارد و تنها به خاطر ایده آل جلوه‌دادن رهبانیت در اعصار اولیه مسیحی صورت گرفته، اندیشه آن تا مدت‌ها در میان مسیحیان و تا امروز در میان مقامات کلیسایی به ویژه کلیسای کاتولیک پابرجاست.

کلیسای کاتولیک در طی اعصار و قرون، توجه خاصی به مجرد داشته، زناشویی را برای اشخاصی که نمی‌توانستند به این مقام روحانی برسند جایز می‌دانستند منتها هدف ازدواج تنها تولید نسل و پرورش فرزندان بوده و امر جنسی محکوم شناخته شده است.

کلیساهای ارتدکس و پروتستانی، موضع متعادل‌تری در این زمینه دارند. گروه‌های ارتدکس معتقدند ترک باروری بدون علت، گناه بزرگی است. البته در این مورد، دو شرط را باید در نظر داشت: ۱- وضعیت اقتصادی زوجین؛ ۲- وضعیت سلامت زن. گروه‌های پروتستان، مسائل پیش-گیری از بارداری را به صورت برنامه عمومی که به تحدید نسل منجر شود مجاز نمی‌دانند؛ اما در حالت‌های فردی، به شخص اجازه می‌دهند به دلایل اقتصادی، بهداشتی و سلامت بدنی، این کار صورت گیرد.

در بیانیه کلیساهای جهان (۱۹۵۹) آمده است: «(وظیفه زوجین است با توجه به مسئولیت خویش در برابر پروردگار به فرزندآوری اقدام کنند...)»

در بیانیه سال (۱۹۶۱) نیز آمده است: «(فرزندآوری بسیار ارزشمند است و درجه بالایی از شجاعت و اطمینان به بزرگی پروردگار را طلب می‌کند...)»

نتیجه آن که گروه‌های مختلف مسیحی فرزندآوری را امری مطلوب دانسته، همواره به آن تاکید می‌کنند. شایان ذکر است که علمای مسیحی با آرای مالتوس به شدت مخالفت ورزیده و او را مایوس از رحمت حق نامیده‌اند.

اسلام: توجه دقیق و ظریف اسلام به تمام ابعاد وجودی انسان مانند ابعاد فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، امنیتی و تامین نیازهای مادی و معنوی از جمله مقوله جمعیت از اصول حکیمانه این مکتب است.

در دین مبین اسلام فزونی جمعیت و داشتن فرزند بسیار امری پسندیده بوده و به ازدیاد جمعیت مسلمان توصیه فراوان شده است. و ادله عقلی و نقلی فراوانی در این زمینه وجود دارد. به گونه‌ای که در این دین سقط‌جنین، فرزندکشی و جلوگیری از بارداری نکوهش شده است و در روایات متعددی فرزندکشی و امتناع از فرزنددار شدن به دلیل ترس از فقر مورد نکوهش قرار گرفته است.

از نظر اسلام نمادهای پیشرفت جامعه زمانی تجلی پیدا می‌کند که کشور از نیروی انسانی کارآمد و دارای ظرفیت بالای تخصص برخوردار باشد. و بحران‌ها زمانی قابل پیش‌گیری، کنترل یا مهار کردن می‌شود که افراد متخصص بیشتری در عرصه اجتماعی فعال باشند. براین اساس هرگونه ضعف، نقصان و کاستی جامعه اسلامی در اقتصاد، فناوری و روابط بین‌الملل که ناشی از محدود کردن زادوولد باشد، مردود است.

بنابراین فزونی جمعیت به عنوان اصل اولی و یک قاعده در متون دینی امری پسندیده است. به عبارت دیگر، اسلام و حتی همه ادیان آسمانی، پیروان خود را به افزایش جمعیت توصیه می‌کنند.

با توجه به این که ما در یک کشور اسلامی زندگی می‌کنیم در ادامه به عنوان یک مسلمان

نظر اسلام عزیز را با توجه به آیات و روایات بیش‌تر بررسی خواهیم نمود. ان‌شاءالله

فصل دوم: ادله مبتنی بر مبانی و اصول شریعت موافقان افزایش جمعیت

ادله‌ای که مخالفان کنترل یا طرفداران افزایش جمعیت مسلمانان، بر ادعای خود اقامه نموده‌اند، عمدتاً بر اصول و مبانی اولیه شریعت مبین اسلام مبتنی است. آنان با بهره‌گیری از ادله شرعی مانند: آیات، روایات و دیگر ادله فقهی، در صدد اثبات این مطلب هستند که نظر اسلام بر افزایش نسل مسلمانان است و این اصل مبنایی است که مخالفت با آن جایز نیست؛ بنابراین هرگونه برنامه‌ای که در صدد تحدید و پیش‌گیری از افزایش نسل مسلمین باشد، از نظر شرع مردود است. بله؟ تنها در برخی موارد استثنایی و آن هم در حالت فردی نه اجتماعی، ممکن است این‌گونه برنامه‌ها، به ویژه از راه‌هایی که مطابق نظر شرع است، جایز باشد. طرفداران افزایش جمعیت با توجه به همین مبنا، ادله و نظریات مخالفان را که بیش‌تر متوجه جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است، پاسخ می‌گویند.

در این‌جا ابتدا به ذکر ادله طرفداران افزایش جمعیت پرداخته، سپس در صورتی که ادله مزبور مورد نقد و مناقشه قرار گرفته باشد به طرح آن‌ها خواهیم پرداخت. مهم‌ترین این ادله در دو دسته کلی جای داده می‌شوند:

۱- دیدگاه‌های کلی دین اسلام: موضوع این بخش، ادله و مبانی اولیه اسلام در مسئله جمعیت و رشد آن است.

۲- دیدگاه‌های اقتصادی، جمعیتی، سیاسی و ...: این بخش نوعاً با نگاه مقابله و پاسخ‌گویی به شبهات مخالفان افزایش جمعیت شکل گرفته است؛ هرچند مبانی شریعت اسلام نیز زیر بنای فکری آن‌ها را تشکیل می‌دهد.^۱

۱- محمد هادی طلعتی، همان کتاب، ص ۸۸.

ادله مبتنی بر مبانی و اصول شریعت

موافقان افزایش و زیاد شدن نسل، می‌گویند: هدف تکوینی ازدواج، دوام نوع و ماندگاری نسل است و در اساس، از فلسفه‌های مهم روا شمردن اسلام ازدواج با یک، یا چهار زن، و روا شمردن ازدواج‌های موقت، همان زاد و ولد و افزون کردن نسل است. بنابراین، کسانی که به هر دلیلی، از فرزندآوری جلوگیری می‌کنند با این قانون و سنت الهی در ستیزند.

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ تَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْغِبْهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ

وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ». (نور / آیه ۳۲)

بی‌جفتانتان را و بردگان و کنیزان شایسته‌تان را همسر دهید. اگر تهی‌دست باشند، خداوند از فرزونی خویش، بی‌نیازشان کند، خداوند، گشایش بخش و دانا است.

«وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَقَدَهُ». (نحل / آیه ۷۲)

خداوند هم از خودتان، برایتان جفت‌هایی نهاده و از جفت‌هایتان، شما را فرزندان و نوادگانی داده.^۱

بنابراین از نظر موافقان افزایش جمعیت، اسلام اولاً: بر ضرورت حفظ نسل و بقای نوع انسانی تاکید نموده است؛ ثانیاً، بر حفظ نسل مسلمانان و افزودن آن، همواره ترغیب می‌کند؛ پس اجرای هرگونه برنامه‌ای برای کاهش نسل مسلمانان با دیدگاه کلی اسلام سازگاری ندارد. در ادامه دو دلیل مزبور را از نگاه شیعه و اهل سنت دنبال می‌کنیم:

۱- حسن رهبری، اسلام و سامان‌دهی جمعیت، انتشارات بوستان کتاب قم، ۱۳۸۵، ص ۶۱.

۱- ضرورت حفظ نسل و بقای نوع انسانی

اولین موضوعی که طرفداران رشد جمعیت برای اثبات مدعای خود بدان توجه نموده‌اند، تاکید بر مسئله حفظ نسل و بقای نوع انسانی و ارتباط آن با امر ازدواج و تاکید شریعت بر آن است. توضیح مطلب براساس این دیدگاه آن است که همه موجودات بر اساس غریزه طبیعی، برای حفظ نوع خود به توالد و تناسل مشغولند و در این میان انسان نیز علاوه بر فطری بودن مسئله، به نیروی عقل و تفکر ممتاز گشته است و از این رو به بقای نوع خود توجه دارد؛ بنابراین همان‌گونه که طبق دیدگاه قرآنی، حیات تمامی موجودات در سایه علقه و رابطه زوجیت تحقق یافته^۱، خلقت و بقای نوع انسانی بر اساس رابطه زوجیت شرعی تحقق می‌یابد^۲، از این رو ازدواج شرعی، مصالح بی‌شماری دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها حفظ نسل است و تاکید و اهتمام شارع مقدس به امر ازدواج در واقع تاکید به این مسئله است.

این مطلب، یعنی ارتباط ازدواج با حفظ نسل، علاوه بر این‌که به بدهت عقلی روشن و مبرهن است در منابع فقهی شیعه و اهل سنت گه‌گاه یکی از فضایل ازدواج نامیده شده است، چنان‌که شیخ مفید در شمارش فضایل نکاح و تاکید بر استحباب آن، ازدواج را راهی برای تناسل معرفی نموده است.^۳ دیگر منابع فقهی نیز اگر اشاره‌ای بدین مطلب نکرده‌اند، به دلیل وضوح و روشنی مطلب بوده است. از نظر اهل سنت نیز که این مطلب در منابع آن‌ها به تفصیل بحث و بررسی شده است، مدار تکالیف و احکام اسلام، محافظت بر دین، نفس، عقل، نسل و مال است؛ بنابراین حفظ نسل یکی از مقاصد اساسی اسلام است و ازدواج نیز برای حفظ آن مقرر شده است.

براساس این دیدگاه، هیچ حکمی از احکام ازدواج نیست مگر آن‌که مقصود از آن به نوعی عنایت به نسل و حفظ آن است. اموری از قبیل حرمت ازدواج با خویشاوندان نزدیک، کراهت

۱- سوره ذاریات (۵۱)، آیه ۴۹. سوره رعد (۱۳)، آیه ۳.

۲- سوره نساء (۴)، آیه ۱.

۳- محمد هادی طلعتی، همان کتاب، ص ۸۹.

ازدواج با خویشاوندان غیر محرم، اختیار زن صالح و ...همگی به نوعی در جهت تامین این اصل ضروری اسلام است.

با توجه به این مطالب، موافقان افزایش جمعیت و مخالفان کنترل جمعیت، اعمال برنامه‌های کنترل جمعیت را در تضاد با عنایت به مسئله نسل و حفظ آن تشخیص داده‌اند. گویی دراهتمام به رشد جمعیت مسلمانان است که این عنایت به نسل و حفظ آن تحقق می‌یابد.

۲- حفظ نسل مسلمانان و ترغیب بر افزودن آن

پس از اثبات ضرورت حفظ نسل، مخالفان کنترل جمعیت مسئله افزودن نسل مسلمانان را مطرح می‌کنند. دلایل و شواهد بسیاری در آیات قرآنی و منابع روایی و فقهی (شیعه و اهل سنت) یافت می‌شود که اهتمام و تاکید شارع را بر آن نشان می‌دهد.

اصولاً برخی آیات کثرت و افزایش نسل را از افعال و نعمت‌های الهی می‌شمارند:

«يا ايها الناس اتقوا ربكم الذي خلقكم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بث منها رجالا

كثيراً و نساءً..»

ای مردم، از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید، و از

آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید.^۱

و درباره قوم حضرت شعیب (علیه السلام)، خداوند یادآور می‌شود:

«.... واذكروا اذا كنتم قليلاً فكثركم.....»^۲

و به یاد آورید هنگامی را که اندک بودید، پس شما را بسیار گردانید.

۱- سوره نساء(۴)، آیه ۱.

۲- سوره اعراف (۷)، آیه ۸۶.

در برخی آیات نیز ضمن برشمردن نعمت ازدواج، حصول ذریه و نسل را از دیگر نعم خود برشمرده که به واسطه آن بر خلق منت نهاده است.

«والله جعل لكم من انفسكم ازواجاً وجعل لكم من ازواجکم بنین و حفده و رزقکم من الطبیات اقبالباطل یومنون و بنعمت الله هم یکفرون»^۱

و خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد، و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد و از چیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید. آیا [باز هم] به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت خدا کفر می‌ورزند؟

ترتیب ذکر نعمت فرزند بر نعمت ازدواج، نشان دهنده مطلوبیت ازدیاد نسل است؛ بنابراین از مهم‌ترین مقاصد اصلی ازدواج فرزندآوری است؛ چراکه به واسطه همین امر است که اجتماع بشری و تعاون و هم‌یاری میان انسان‌ها برقرار گشته و امور آنها از طریق همین اجتماعات - که مهم‌ترین آنها نظام خانواده است - تحقق می‌یابد.^۲

در برخی آیات، فرزندان زینت حیات دنیوی معرفی شده‌اند:

«المال والبنون زینه الحیوه الدنیا...»^۳

و در موارد بسیاری انبیای الهی از خداوند ذریه صالح و طیب را طلب می‌کنند. بنابراین آیات مزبور شواهد قوی است بر مطلوبیت ذاتی فرزند و فرزندآوری.

۱- سوره نحل (۱۶)، آیه ۷۲.

۲- محمد هادی طلعتی، همان کتاب، ص ۹۱.

۳- محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان، چاپ ششم، قم، موسسه النشر الاسلامی، ج ۱۴، ۱۴۲۱ق، ص ۳۱۷.

۴- سوره کهف (۱۸)، آیه ۴۶.

۳- روایات

مهم‌ترین روایاتی که طرفداران رشد جمعیت در میان شیعه و اهل سنت با استناد به آن‌ها، با برنامه‌های کنترل جمعیت از لحاظ محدود نمودن باروری و کاهش نسل مسلمانان، مخالفت می‌ورزند در چند دسته می‌توان جای داد:

۳-۱- روایات دال بر مطلوبیت ازدواج و فرزندآوری و افزایش آن‌ها

روایات شیعی

۱- در روایت صحیح محمدبن مسلم، امام صادق (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی

الله علیه و آله وسلم) چنین نقل می‌کند: «تزوجوا فانی مکاتربکم الامم غداً

فی‌القیامه حتی ان‌القسط یجیء محبئناً علی باب‌الجنه فیقال له: (ادخل‌الجنه)

فیقول: (لا، حتی یدخل ابواب‌الجنه قبلی)»^۱

ازدواج کنید! زیرا من در فردای قیامت به زیادی تعداد شما امت، مباحات می‌کنم حتی امروز

قیامت] بچه سقط شده خشمناک بر در بهشت می‌آید؛ پس به او گفته می‌شود: «داخل بهشت

شود!» پس می‌گوید: «وارد نمی‌شوم تا آن‌که پدر و مادرم پیش از من به بهشت درآیند.»

۲- حضرت علی (علیه السلام) در حدیث (اربعمائه) می‌فرماید:

«تزوجوا فانی‌التزویج سنه‌الرسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) فانه کان یقول: من کان

یجب ان یتبع سنتی فان من سنتی‌التزویج و اطلبوا‌الولو فانی مکاتربکم الامم غدا...»^۲

۱- محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، چاپ سوم، قم، موسسه آل‌البیت (علیهم السلام)، الاحیاء التراث، ج ۲۰، ۴۱۶ق، ص ۱۴، ح ۲.

۲- همان، ص ۱۵، ح ۶.

ازدواج نمایید! زیرا ازدواج سنت رسول خدا است همانا ایشان می‌فرمودند: کسی که دوست دارد از سنت من پیروی کند پس روش من ازدواج است و فرزند طلب نمایید! زیرا من به کثرت شما امت در روز قیامت مباحات می‌نمایم....

۳- امام باقر (علیه السلام) به نقل از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می-

فرماید:

«ما يمنع المومن أن يتخذ اهلاً؟ لعل الله يرزقه نسمة تثقل الارض بلا اله الله»^۱

چه چیزی مومن را باز می‌دارد از این که خانواده تشکیل دهد؟ شاید خداوند به او فرزندان روزی نماید که با گفتن لا اله الا الله مایه سنگینی زمین گردند.

۴- و در روایت صحیح، امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«لما لقی یوسف (علیه السلام) اخاه قال: یا أخی، کیف استطعت أن تزوج النساء بعدی؟ فقال:

ان ابی أمرنی فقال: أن استطعت أن تكون لك ذریه تثقل الارض بالتسبیح فافعل»^۲

چون یوسف (علیه السلام) برادر خود را ملاقات نمود گفت: ای برادر، چگونه پس از من توانستی با زنان ازدواج نمایی؟ گفت: همانا پدرم به من امر نمود، گفت: اگر توانایی داری که برای تو فرزندان باشد که زمین را با تسبیح خود سنگین نمایند پس ازدواج کن.

در روایات مزبور، اولاً: مطلوبیت امر ازدواج راجع به مسئله فرزندآوری در نظر گرفته شده است (به طوری که فرزندآوری مرتب بر این امر ذکر شده است)؛ ثانیاً: ازدیاد فرزندان نیز به خاطر ازدیاد گویندگان (لا اله الا الله) مطلوب شمرده شده است (مفاد احادیث سوم و چهارم)، ثالثاً: چون این ازدیاد رو به فزونی یافتن است پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و مباحات آن حضرت به این کثرت منتهی می‌شود، مطلوب دانسته شده است؛ (مفاد احادیث اول و دوم).

۱- همان، ص ۱۴، ح ۳.

۲- همان، ص ۱۶، ح ۹.

روایات اهل سنت

۱- عایشه از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین نقل می‌کند:

«النکاح من سنتی فمن لم يعمل بسنتی فلیس من و تزوجوا فانی مکاثر بکم الامم» (سنن ابن

ماجه، ج ۱، ص ۵۹۲، حدیث ۸۴۶).

نکاح از سنت من است؛ پس کسی که به سنت من عمل ننماید از من نیست؛ و ازدواج

نمایید! زیرا من به کثرت شما امت افتخار می‌نمایم.

مراد از «فانی مکاثر بکم» در حدیث مزبور «مفاخر بکثرتکم» است؛ یعنی کثرت امت پیامبر

اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) مایه مباهات و افتخار ایشان است.

۲- اهمیت فرزندآوری برای افزایش نسل مسلمانان و کثرت گویندگان تسبیح الهی،

در کلام عمر بن خطاب به صراحت دیده می‌شود:

«عن عمر قال: والله انی لا کره نفسی علی الجماع رجاء أن یخرج الله منی نسمه تسبیح» (سنن

بیهقی، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۱۳۷۴۵).

روایت دیگری نیز از او به این مضمون نقل شده است:

«النساء تنکح للولد» غایت نکاح، حصول ولد است.

از این گونه روایات، چنین برداشت می‌شود که مهم‌ترین مقصود از نکاح، فرزند آوردن است و

افزودن آن موجب مباهات پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشد.

۳-۲- تاکید روایات بر ازدواج با زنان زایا و نهی از ازدواج با زنان نازا

روایات زیادی در منابع روایی شیعه و اهل سنت در این مورد وجود دارد که همواره به ازدواج

با زنانی که به فرزندآوری و بلکه فرزند زیاد آوردن قادر باشند، ترغیب شده؛ در مقابل از ازدواج با

زنان نازا نهی شده است.

۱- در صحیحہ عبداللہ بن سنان از امام صادق (علیہ السلام) آمده است:

«جاء رجل الى رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) فقال: يا بنى الله، ان لى عم لى قد

رضيت جمالها و حسنها و دينها و لكنها عاقر؟ فقال لا تزوجها»^۱

مردى نزد رسول خدا (صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا، من

دختر عمویی دارم که زیبایی و نیکویی و دین وی را پسندیده‌ام اما نازاست، ایشان فرمودند: با

او ازدواج مکن.

۲- در روایت صحیح، امام باقر (علیہ السلام) از قول پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ و

سلم) می‌فرمایند:

«تزوجوا بکراً ولوداً و لا تزوجوا حسناء جميله عاقرأ فانی اباهی بکم الامم يوم القيامه»^۲

با زنان باکره زاینده ازدواج کنید و با زن نیکوی زیباروی نازا ازدواج نکنید! زیرا من به

شما امت در روز قیامت مباحات می‌نمایم.

۳- امام رضا (علیہ السلام) نیز در این باره می‌فرماید:

«قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) لرجل: تزوجها سواء ولوداً و لا تزوجها جميله

حسناً عاقرأ فانی مباه بکم الامم يوم القيامه، اما علمت أن الولدان تحت العرش يستغفرون

لابائهم، يحضنهم ابراهيم و تربيهم ساره في حيل من مسك و عنبر و زعفران»^۳

رسول خدا (صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) به مردی فرمودند: با زن زشت روی زاینده ازدواج

کن اما با زن نیکوی زیباروی نازا ازدواج مکن! زیرا من به شما امت در روز قیامت مباحات می-

۱- محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۵۳، ح ۱.

۲- همان، ج ۲۰، ص ۵۴، ح ۱.

۳- همان، ج ۳.

نمایم. آیا نمی‌دانی که فرزندان در زیر عرش برای پدران خویش طلب آمرزش می‌نمایند در حالی که ابراهیم از آن‌ها نگهداری می‌نماید و ساره در کوهی از مشک و عنبر و زعفران به پرورش آن‌ها همت می‌گمارد.

روایات اهل سنت

در منابع روایی اهل سنت نیز روایاتی به همین مضامین وجود دارد که نحوه استدلال به آن‌ها مشابه همان روایات شیعه است:

۱- معقل بن یسار می‌گوید:

«جاء رجل النبي (صلى الله عليه و آله وسلم) فقال: انى أصبت امراه ذات حسب و جمال و

انها لا تلد أفأتزوجها؟ قال: لا، ثم اتاه الثانية فنهاه ثم اتاه الثالثة فقال: تزوجوا الودود الودود فانى

مكاثربكم الامم» (سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۲۷، ح ۲۰۵۰)

مردی نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آمد و عرض کرد: همانا من با زن دارای شرافت و زیبایی برخورد نموده‌ام در حالی که او نازاست آیا با او ازدواج نمایم؟ فرمودند: نه. سپس برای بار دوم آمد پس آن حضرت او را از این امر باز داشتند. سپس برای بار سوم آمد پس فرمودند: با زن دوست دارنده زاینده ازدواج کن! همانا من به کثرت شما امت مباحات می‌نمایم.

۳-۳- مذمت زنان نازا

در پاره‌ای روایات شیعی و اهل سنت به طور کلی زنان نازا نکوهش شده‌اند:

روایات شیعی

۱- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به علی (علیه السلام) چنین وصیت

فرمودند:

«ولحصير في ناحية البيت خير من امرأه لاتلد»^۱

و همانا حصیر در گوشه خانه از زنی که نمی‌زاید بهتر است.

۲- امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«الشوم في ثلاث: في المراه و الدابه والدار، فاما شوم المراه فكثره مهرها و عقم

رحمها»^۲

شومی در سه چیز است: در زن، مرکب و خانه؛ اما شومی زن در کثرت مهر او و

نازایی اوست.

۳- جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید:

«كنا جلوساً مع رسول الله (صلى الله عليه و آله وسلم) فذكرنا النساء فضل بعضهن

على بعض... ان من خير نساءكم الولود الودود الستيره الغريزه في اهلها...»^۳

با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نشستیم بودیم پس از زنان و برتری بعضی

بر بعضی دیگر سخن به میان آوردیم... حضرت (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: همانا

از بهترین زنان شما، زنان زاینده دوست دارنده پوشنده هستند که در میان اهل خویش

عزیزند...

روایات شومی زنان نازا و مذمت آنها در منابع اهل سنت فراوان یافت می‌شود.

۳-۴- روایاتی که افراد بدون فرزند را هالک و بدون نتیجه معرفی می‌کند.

۱- امام کاظم (علیه السلام) فرمودند:

۱- فرج الله نادری، همان کتاب، ص ۶۰.

۲- محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۲، ح ۲.

۳- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، باب ۶۰، ج ۱۰۰، ص ۲۳۵، ح ۲۰.

«ان الله اذا اراد بعبد خيراً لم يمته حتى يريه الخلف»^۱

همانا خداوند زمانی که به بنده‌ای اراده خیر نماید او را نمی‌میراند تا فرزندانش را به او نشان دهد.

۲- «أن من مات بلاخلف فكأن لم يكن في الناس، و من مات و له خلف

فكأنه لم يمت»^۲

هر کس بدون فرزند بمیرد، پس گویا در میان مردم نبوده و کسی که بمیرد و برای او فرزندی باشد پس گویا نمرده است.

روایات اهل سنت

در منابع روایی اهل سنت نیز احادیثی بدین مضمون وارد شده است، چنان‌که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌فرمایند:

۳- «اذا مات ابن آدم انقطع عمله الا من ثلاث... و لرسال يدعو له»^۳

زمانی که فرزند آدم بمیرد، تمام عمل‌های او قطع می‌شود به جز سه چیز....
فرزند صالحی که برای وی دعا نماید.

۳-۵- روایات دال بر دعا برای طلب فرزند (به ویژه فرزند صالح)

۱- امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

۱- محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۵۷، ح ۱۰ و ۱۱.

۲- همان

۳- محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۵۶، ح ۴.

«إذا أبطأ على احدكم الولد فليقل اللهم لاتذرنى فرداً و أنت خير الوارثين، و جيداً وحشاً

فيقصر شكرى عن تفكرى بل هب لى عاقبه صدق ذكوراً و أناثاً آنس بهم من الوحشه و أسكن

اليهم من الواحده...»^۱

هرگاه کسی از شما، فرزنددار شدنش به تاخیر افتد پس بگوید: بار خدایا مرا تنها رها مکن و حال آن که تو بهترین جانشین هستی، و مرا تنها و وحشتزده مگردان پس اندیشه‌ام از شکر تو باز ایستد، بلکه به من عاقبت نیکو، فرزندان پسر و دختر عطا فرما تا با انس به آن‌ها از وحشت رهایی یابم و با آن‌ها از تنهایی به آرامش برسم.

۱- امام حسن عسگری (علیه السلام) درباره شخصی که فرزند نداشت چنین دعا

کردند:

«اللهم ارزقه ولداً یكون له عضداً فنعم العضد الولد»^۲

بار خدایا! او را فرزندی روزی کن که پشتوانه او باشد! پس چه پشتوانه خوبی است

فرزند.

۱- در برخی روایات بر فرزند صالح تاکید فراوان شده است مانند:

«لولد الصالح ریحانه من الله قسمها بین عباده...»^۳

فرزند صالح ریحانه‌ای است از خداوند که آن را بین بندگان خود تقسیم نموده است....

«میراث الله من عبده المومن، الولد الصالح یستغفرله»^۴

میراث خداوند به بنده مومن خود فرزند صالحی است که برای وی طلب آمرزش نماید.

۱- همان، ج ۲۱، ص ۳۶۸، ح ۱.

۲- محمد هادی طلعتی، همان کتاب، ص ۱۰۴.

۳- همان.

۴- همان، ص ۱۵.

از این روایات چنین به دست می‌آید که فقهای عظام شیعه از گذشته برحفظ نسل، اهمیت ازدواج، دقت در این امر و افزوده شدن نسل مسلمانان توجه داشته‌اند و مباحثی نظیر بحث‌های مربوط به کنترل جمعیت یا تنظیم خانواده بدین صورت که امروز مطرح می‌شود، در فقه شیعی سابقه نداشته است.

بنابراین مخالفان کنترل جمعیت که از رشد جمعیت مسلمانان حمایت می‌کنند، با توجه به چند مقدمه، به مطلوبیت ازدیاد نسل مسلمانان از نظر شرع حکم می‌کنند و دوام این حکم را حتی در زمان کنونی نیز مطلوب می‌دانند. خلاصه سخن آنان چنین است:

۱- شارع مقدس حفظ نسل، صحت و سلامت آن را قانونی کلی و اصلی اساسی در زندگی نوع بشر دانسته و به آن تاکید می‌کند و این مطلب از توصیه‌های شارع درباره ازدواج و نحوه آن روشن می‌شود مانند تاکید بر ازدواج با زن صالح، نیکو سرشت، دارای اخلاق نیکو و ...

۲- از مهم‌ترین مقاصد ازدواج، حصول فرزند است. این مطلب نیز نه تنها مطابق فطرت و سرشت انسانی است، بلکه یکی از مقاصد اصلی و بلکه طبق نظر برخی از اهل سنت مقصد اولی و اصلی نکاح است و این نیز از آیات و روایات متعدد مانند: دعا برای حصول فرزند صالح و ... بدست می‌آید.

۳- مسئله ازدواج و حصول فرزند، بیش‌تر برای مسلمانان، مورد اهتمام اکید شارع مقدس است و احادیث عمده در این باره در چند بخش وارد شده است:

الف) ترغیب بر ازدواج با زنی که بتواند فرزندان زیادی به دنیا بیاورد.

ب) نهی از ازدواج با زن عقیم.

ج) مباحث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به نسل مسلمانان و افزایش

تعداد آنها.^۱

۱- همان، ص ۱۰۶.

از مجموع این تعابیر و جهاتی که به آن اشاره شد استفاده می‌شود که دین اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) نسبت به تکثیر نسل و اولاد در همه زمان‌ها اهتمام داشته‌اند و این چنین نبوده که این اهتمام مختص به زمانی است که مسلمانان در قلت بوده باشند، زیرا تعابیر وارده در این روایات به عنوان یک قضیه حقیقیه و به عنوان یک سیاست دائمی و همیشگی دین مطرح است. پس از نظر حکم اولی تکثیر اولاد و ازدیاد نسل، امری است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه طاهرین (علیهم السلام) به آن سفارش فراوانی نموده‌اند و می‌توان آن را از مستحبات موکد شمرد.^۱

۱- محمد جواد فاضل لنکرانی، بررسی فقهی موضوع (تکثیر و تنظیم جمعیت)، منتشر شده در پایگاه اطلاع رسانی محمد فاضل لنکرانی، ۱۷ تیر، ۱۳۹۰.

فصل سوم: ادله مبتنی بر دیدگاه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موافقان

۱- ادله مبتنی بر دیدگاه اقتصادی

الف) اعتقاد به رازقیت الهی

محور اقتصادی، یکی از جنجالی‌ترین محورهایی است که دانشمندان مخالف و موافق رشد جمعیت به آن تکیه نموده‌اند. سیر کلی دیدگاه‌های اقتصادی در مورد مسئله جمعیت، گویای این مطلب است که غالب صاحب‌نظران و متفکران گذشته، همواره به افزایش جمعیت و فزونی کمی جوامع در توسعه اقتصادی توجه داشته‌اند؛ اما در سده‌های اخیر، با تحولات چشم‌گیر در عرصه‌های مختلف انسانی، بسیاری از پیش‌بینی‌ها و برنامه‌های مورد تایید گذشتگان بر هم خورده، معیارها و موازین جدیدی بر زندگی اقتصادی و اجتماعی بشر نیز حکم فرما گردید. همگام با این تحولات، اختلاف آرای زیادی نیز در مباحث اقتصادی، به ویژه درباره مسئله جمعیت بروز نمود. در نیمه دوم قرن هیجدهم میلادی، معمولاً اقتصاد دانان تراکم جمعیت را منبع ثروت می‌دانستند. پس از این دوره، دوره رواج عقاید مالتوس بود که دیدگاه‌های بدبینانه‌ای نسبت به جمعیت شیوع یافت و زیادی جمعیت، دلیل فقر، فساد اخلاقی و بدبختی انسان قلمداد شد.^۱

و این دیدگاه مسئله توهم فقر را در میان خانواده‌ها رواج داد چنان‌چه برخی از مردم گمان می‌کنند که افزایش جمعیت خانواده به معنای فقر بیشتر است لذا با افزایش آن به هرشکلی مبارزه می‌کنند.

خداوند در آیاتی از قرآن به شدت با هر دو تفکر مبارزه می‌کند. از نظر خداوند فقر

یا توهم فقر نمی‌بایست موجب فرزندکشی شود.

«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ» (انعام / ۱۵۱).

۱- محمد هادی طلعتی، همان کتاب، صص ۶۷ و ۶۸.

فرزندان خود را به خاطر فقر و تنگدستی نکشید، زیرا روزی شما و آن‌ها همه به دست ماست و ما همه را روزی می‌دهیم.

کسانی که دست به چنین اقدامی می‌زنند کسانی هستند که از سفاقت برخوردارند و از عقل و خرد بهره‌ای نبرده‌اند؛ چراکه این دسته از افراد گمان می‌کنند که رزق و روزی خود و خانواده را آنان می‌دهند در حالی که خداوند، هم روزی ایشان و هم روزی افراد دیگر را می‌دهد.

«إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» (ذاریات / ۵۸).

خداوند است (که به تمام بندگانش) روزی می‌دهد و صاحب نیروی استوار است.

به هر حال، فقر و یا توهم فقر نمی‌بایست عاملی برای فرزندکشی شود و یا شخص را از تولید نسل باز دارد، بلکه همان‌گونه که خداوند بر خود به عنوان یک سنت الهی فرض کرده تا پس از ازدواج افراد را از فضل خویش غنی کند، بر خود فرض کرده است تا روزی هر فرزندی و موجودی را بدهد.

«وَكَايِنَ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (عنکبوت / ۶۰).

و چه بسیار از جنبندگانی وجود دارند که نمی‌توانند روزی خودشان را بر عهده گیرند؛ خداوند است که آن‌ها و شما را روزی می‌دهد و اوست که شنوا و دانا می‌باشد.

خداوندی که غذای موروملخ را تامین می‌کند چطور نمی‌تواند غذای اشرف مخلوقات خویش را تامین کند؟ خداوندی که روزی موجودات را هر روز می‌دهد بی‌آنکه چیزی را ذخیره کند، چطور روزی انسان را فراهم نمی‌کند؟ این تصور غلطی است که ما انسان‌ها از خدا داریم، در حالی که «هر آن کس که دندان دهد نان دهد» و این خداوند است که روزی را قسمت می‌کند و روزانه برای هر موجودی می‌فرستد.^۱

۱- زارع پور، افزایش جمعیت؛ افتخار و عزت اسلامی، منتشر شده در پایگاه جامع عاشورا.

«وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقَهَا» (هود/ ۶۰).

هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست جز آن که روزی‌اش بر خداست.

از دیدگاه قرآن، خداوند بندگان خویش را خلق کرده و رزق و روزی و معیشت آن‌ها را نیز تدبیر نموده چنان‌که در آیات متعدد به این امر اشاره شد.^۱ بنابراین ضعف عمده اقتصادی کشورهای که با مشکل رشد جمعیت روبه‌رو هستند حقیقتاً در ازدیاد جمعیت آن‌ها نیست بلکه در سوء-مدیریت و عدم تولید و استفاده نادرست از منابع زمینی و هم‌چنین سیاست‌های زورمدارانه و منفعت طلبانه کشورهای قدرت‌مند است؛ لذا با برنامه‌ریزی‌های صحیح می‌توان مشکلات را برطرف نمود و از افزایش جمعیت بهره گرفت.^۲

دکتر عبدالمجید فراح (استاد برنامه‌ریزی اقتصادی) می‌گوید: «اگر اقتصاد از یک جهت در خدمت جمعیت قرار می‌گیرد باید گفت که جمعیت از چند جهت در خدمت اقتصاد قرار دارد که هنوز به طور روشن و دقیق به آن پرداخته نشده.» بنابراین ریشه مشکلات اقتصادی در فزونی جمعیت نیست بلکه عوامل دیگری دارد و مدیریت صحیح می‌تواند جمعیت را نیز در خدمت شکوفایی اقتصادی به کار بگیرد.^۳

دکتر علی کائیدی، نائب رئیس اول کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی در گفتگو با روزنامه (جوان) درباره اهمیت موضوع جمعیت و بحرانی که امروز در آستانه آن قرار داریم، می‌گوید جمعیت یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه است. هر چند برخی افراد نبود امکانات کافی و مشکلات اقتصادی را مهم‌ترین عامل در نفوذ شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» در میان مردم می‌دانند اما باید گفت که این فرهنگ در پی تغییر سبک زندگی مردم کشورمان اتفاق

۱- محمد هادی طلعتی، رشد جمعیت، تنظیم خانواده و سقط جنین، انتشارات بوستان کتاب قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳، ص ۱۱۶.

۲- همان، ص ۱۱۹.

۳- زارع پور، افزایش جمعیت، افتخار و عزت اسلامی، منتشر شده در پایگاه جامع عاشورا.

افتاده است نه مشکلات اقتصادی. شما اگر از نظر اقتصادی به جمعیت خانواده‌های متوسط به بالا دقت کنید متوجه می‌شوید در بالای شهر و خانواده‌های پولدار غلبه با تک‌فرزندی است. بنابراین نمی‌توان رشد پایین جمعیت و عدم تمایل خانواده‌ها به فرزندآوری را صرفاً با مسائل مادی و امکانات مرتبط دانست.^۱

۲- ادله مبتنی بر دیدگاه اجتماعی، سیاسی

۱-۲- پیری جمعیت و پیامدهای آن

گاهی وقت‌ها آمار زنگ خطری است که نشان می‌دهد راه رفته اشتباه بوده و تا دیر نشده باید برای جبران مافات مسیر را تغییر داد، درست همانند آمار و ارقام رشد جمعیت در کشورمان که به مرز هشدار رسیده‌اند و با توجه به نرخ رشد جمعیت، اگر به زودی برای افزایش این نرخ رشد کاری نکنیم تا سال ۹۵ به «چاله جمعیتی» می‌افتیم.^۲

ورود نرخ رشد جمعیت و شاخص باروری به فاز بحران، هشدار بود که چندی پیش وزارت بهداشت نیز آن را اعلام کرد. با وجود این و با تمام تدابیر، جلسات و نشست‌های اضطراری شورای عالی فرهنگی، مجلس شورای اسلامی و مرکز زنان و خانواده هنوز اقدام اساسی در این زمینه صورت نگرفته. این در حالی است که بنا به تاکید رئیس شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، هم‌اکنون با سونامی پیری جمعیت مواجه هستیم و اگر تا سال ۹۵ اقدام اساسی صورت نگیرد، در چاله جمعیتی گرفتار می‌شویم؛ چاله‌ای که بیرون آمدن از آن کار آسانی نیست.^۳

۱- روزنامه جوان، شماره ۳۹۶۰.

۲- زهرا چیدری، سیاست‌های غرب در کاهش جمعیت کشورهای مسلمان، کد مطلب ۵۶۲۴، ۹۲/۵/۱۳، پایگاه تحلیلی و تبیینی برهان.

۳- روزنامه جوان، شماره ۳۹۶۰.

برنامه تنظیم خانواده و کنترل جمعیت در ایران پس از انقلاب، میان دولت‌مردان به یک سیاست راهبردی تبدیل شد. مشکلات جنگ و پس از آن نابسامانی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تحریم‌ها و نیز مشکلات فراروی کشور در بخش آموزشی، بهداشت، مسکن و ... زمینه‌ساز تبدیل «کنترل جمعیت» به یک موضوع راهبردی و یک ارزش فرهنگی، شد. اکنون پیامد این موضوع در دهه ۹۰ این شده است که ما با افت شدید جمعیت مواجه هستیم و در چند سال آینده با رشد منفی جمعیت و پیر شدن تدریجی جمعیت مواجهیم.^۱

از پیامدهای پیری جمعیت در اجتماع، کاهش نشاط اجتماعی است، زمانی که جوامع پیر می‌شوند، دولت‌ها و صاحبان سرمایه، احساس خطر می‌کنند. جوانان مایه پویایی و سرزندگی جوامع هستند. اکثر جهش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از دل نیروهای جوان جوشیده می‌شود.^۲

از دیگر پیامدهای سالخوردگی جمعیت، کمبود نیروی کار به دلیل پیری جمعیت و افزایش بار مالی دولت در تامین رفاه اجتماعی بازنشستگان است، و این به معنای وارد کردن نیروی کار و کارشناسان فنی از سایر کشورهاست که خود راهی برای ورود فرهنگ بیگانه به کشور است.

جمعیت سالخورده، علاوه بر داشتن یک سری عوارض و مسائل فردی، ممکن است برای جامعه نیز مسائل و مشکلاتی را پدیدآورد و مقابله با چالش‌های فراروی این پدیده و اتخاذ سیاست‌های مناسب برای ارتقای وضعیت جسمی، روانی و اجتماعی سالمندان از اهمیت بالایی برخوردار است.^۳

۱- محمد فولادی، سیاست کنترل جمعیت و آثار و پیامدهای آن، فصل نامه فرهنگی اجتماعی معرفت، سال سوم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۵۳-۱۸۰.

۲- ناصری، کنترل جمعیت و نتایج آن، مجلات، خانواده و زنان، حورا، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶، شماره ۲۴.

۳- زهرا چیدری، سیاست غرب در کاهش جمعیت کشورهای مسلمان، کد مطلب ۵۶۲۴، ۹۲/۵/۱۳، پایگاه تحلیلی تبیینی برهان.

۲-۲- کاهش اقتدار سیاسی و نظامی

کاهش اقتدار سیاسی و نظامی از دیگر آسیب‌های کاهش جمعیت در جامعه می‌تواند باشد. ممکن است کمبود جمعیت پیروان اهل بیت و تکثیر نسل دیگران - همان‌طور که در استان ما هم نمود دارد- در آینده مشکلات سیاسی، نظامی را به بار آورد و این امر نیز از ضرورت‌هایی است که باید به طور جدی در نظر گرفته شود.^۱

افزایش جمعیت جوان کشورهای اسلامی مسئله‌ای است که از سوی قدرت‌های استعماری به عنوان یک خطر تلقی شده است. تمدن اسلام تمدنی است که چالش آن تا حدودی متفاوت از دیگر چالش‌هاست چراکه این تمدن اساساً ریشه در نوعی پویایی جمعیت دارد. رشد بالای زادوولد که در اکثر کشورهای اسلامی شاهد آن هستیم، این چالش را متفاوت کرده است. تحلیل‌گران غربی هراسناک، جمعیت جوان کشورهای اسلامی را تحلیل می‌کنند. در شرایط فعلی موازنه جمعیت جوان و تحصیل‌کرده جهان، به نفع کشورهای اسلامی رقم می‌خورد. از سوی دیگر همین جمعیت جوان و آگاه است که انرژی خود را صرف دفاع و حمایت از کشور و نوامیس خود و باطل ساختن توطئه‌های قدرت‌های استکباری می‌کند به همین دلیل این جمعیت، خطر بزرگی بر سر راه اهداف آن‌ها محسوب می‌شود.

افزایش جمعیت مسلمان در درون کشورهای غربی نیز نگرانی دیگر قدرت‌های بزرگ است. از موضع‌گیری‌هایی که در مقابل جمعیت مسلمانان می‌شود، به دست می‌آید که جمعیت، یک فاکتور مهم در اقتدار سیاسی است و کاهش آن می‌تواند اقتدار سیاسی یک کشور را به خطر بیندازد همان‌گونه که این خطر کشور ما را تهدید می‌کند.

از سوی دیگر در فضای داخلی هر کشور، اکثریت همواره تعیین‌کننده‌اند. اکثریت دینی در کشورهای اسلامی در تعیین نوع حکومت موثرند. برای مثال در ایران اکثریت شیعی، بر نوع

۱- محمد طاهر اکبری، تنظیم یا افزایش جمعیت، فصل نامه امت، شماره ۱۵-۱۴، سال ۱۳۸۶.

حکومت، متن قوانین اساسی و قوانین داخلی دیگر و بر کرسی‌های مجلسی کاملاً نفوذ دارند. بنابراین به هم خوردن توازن جمعیتی از نظر مذهبی می‌تواند بر تمام امور فوق اثر بگذارد. برای مثال وقتی تعداد نمایندگان اقلیت‌ها بر اساس جمعیت مردمی‌شان رقم می‌خورد پس کم و زیاد شدن جمعیت، دقیقاً تعیین کننده است.^۱

۲-۲-۱- کنترل جمعیت؛ سیاستی استعماری

در ورای شعارهای جذاب و فریبنده هم‌چون «فرزند کمتر، زندگی بهتر»، همراه با بیان یافته‌های به ظاهر علمی در زمینه پیامدهای کنترل جمعیت، استعمارگران، که در پی منافع خود هستند قرار دارند. در دهه هفتاد و در زمان هنری کسینجر (مشاور امنیت ملی رئیس جمهور وقت آمریکا) پروژه‌ای درباره تاثیر روند رشد جمعیت جهانی بر امنیت ملی آمریکا طراحی و انجام شد. این پروژه، روند فزاینده رشد جمعیت جهانی را بر خلاف امنیت ملی آمریکا دانسته و با تشریح استراتژی آمریکا در مورد جمعیت جهانی، سیاست‌ها، راهکارها، چگونگی همکاری سازمان‌های بین المللی و روش ترغیب و اقناع رهبران کشورهای موردنظر برای کاهش روند رشد جمعیت را تبیین می‌کند.

بر اساس این پژوهش، جمعیت کشورهای درحال توسعه و با منابع غنی در صورتی که با همان ضریب رشد افزایش یابد، به شدت موجب بالا رفتن خواست‌ها و انتظارات عمومی در میان مردم از جمله آموزش، اشتغال، بهداشت و مسکن می‌شود و تا اندازه زیادی منافع کشورهای صنعتی هم‌چون آمریکا را به خطر خواهد انداخت. به این صورت که فشار ایجاد شده برای تامین نیازهای این جمعیت بالا، موجب می‌شود که دولت‌ها و حاکمان این کشورها، به دنبال افزایش قیمت نفت جهت تامین نیازها و انتظارات رفاهی و معیشتی مردم خود باشند. افزایش قیمت نفت نیز تاثیر بسیار منفی بر روی اقتصاد آمریکا خواهد داشت. به همین دلیل، نظریه پردازان کشورهای

۱- ناصری، کنترل جمعیت و نتایج آن، مجلات، خانواده و زنان، حورا، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶، شماره ۲۴.

استعماری با صراحت نگرانی خود را از افزایش جمعیت جوان کشورهای جهان، به ویژه کشورهای اسلامی اظهار می‌دارند. در واقع افزایش جمعیت کشورهای اسلامی، معضل عمده فراروی کشورهای استعماری است. از این رو سایر کشورها را تشویق به کنترل جمعیت می‌کنند.^۱ در مجموع به نظر می‌رسد شعار کنترل جمعیت، به عنوان یک سیاست راهبردی با اهداف و انگیزه‌های خاص از سوی کشورهای توسعه یافته و استعماری نسبت به کشورهای جهان سوم و در حال توسعه تحمیل شده است.

انگیزه‌های زیر می‌تواند از جمله اهداف آن‌ها باشد:

۲-۲-۲- انگیزه‌ها و اهداف سیاسی استعمار

۱- محدود کردن نسل انقلابی جامعه

با توجه به این‌که بیشترین نقش در شروع، تثبیت، تحکیم و صدور انقلاب را اقشار پایین اقتصادی جامعه - که غالباً از رشد جمعیتی نسبتاً فراوانی نیز برخوردارند- بر عهده داشتند؛ بنابراین در صورت موفقیت طرح مذکور (کنترل جمعیت) افراد انقلابی جامعه کاهش می‌یافت. به راستی اگر طرفداران کنترل جمعیت دلسوزان و دلباختگان اقشار ضعیف جامعه می‌باشند، چرا در کنار این نظریه، تحلیلی بر تشویق ازدیاد نسل اقشار متوسط جامعه و یا ثروتمند برای جبران فرزند کاسته شده قشر ضعیف جامعه ارائه ندادند؟!

۲- نقش کمیت آحاد یک ملت در قدرت سیاسی - نظامی کشور

اگر دنیای کنونی دنیای قدرت است و هر کشوری که قدرتمندتر از همه باشد، زمینه بیشتری برای سلطه سیاسی و اقتصادی دارد، و اگر تعداد جمعیت یکی از عناصر تشکیل دهنده قدرت است باید نتیجه گرفت که استکبار اقتصادی و سیاسی دنیا برای جلوگیری از افزایش قدرت جامعه از

۱- فصل نامه معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۹، تاملی در سیاست کنترل جمعیت و آثار و پیامدهای آن، ۹۲/۵/۱۲.

نظر سیاسی، اقتصادی در صدد است که از تعداد نیروهای کمی کشور بکاهد، به خصوص آن که جنگ تحمیلی و تلاش‌های خارق‌العاده نسل انقلابی جامعه ما به استکبار سیاسی و اقتصادی ثابت کرد که این قدرت انسان است که بر تکنولوژی و تمدن غرب حاکمیت دارد. پس باید به هر طریق که شده جلوی ازدیاد این نسل انقلابی گرفته می‌شد.

به همین دلیل با مطرح کردن تئوری کنترل جمعیت در صدد دست یافتن بر این اهداف سیاسی خود برآمدند.

۳- محدودیت بخشیدن نسل مسلمین و جهان سوم در دنیا

با توجه به این که بخش عظیمی از جمعیت جهان در کشورهای جهان سوم می‌باشند؛ و از این میزان نیز تعداد قابل توجهی را مسلمانان تشکیل می‌دهند، پس از دیدگاه مستکبران سیاسی و اعتقادی جهان باید از هر طریق و به هر قیمتی که شده است برتری افزایش تعداد جمعیت کشورهای جهان، مسلمین و به خصوص شیعیان انقلابگر در دنیا محدود شود. چرا که هر کدام از آن‌ها نقش فراوانی در تهدید منافع استکبار سیاسی و اقتصادی دارند.^۱

۲-۲-۳- اهداف و انگیزه‌های اجتماعی استعمار

اگر یکی از اهداف کنترل جمعیت، رهانیدن زن از خانواده به سوی جامعه و اجتماع است و اگر کاهش مقدار جمعیت و مولید به عنوان راه حلی برای کاستن تضاد موجود میان نقش اقتصادی زن و نقش خانوادگی اوست و اگر از نظر جمعیت‌شناسی غرب و کارشناسان داخلی، زناشویی موجب تغییر متغیرهای جمعیتی می‌شود که عمده‌ترین نتیجه آن تاثیر مستقیم بر باوری و کمک به افزایش جمعیت است و باید به نحوی جلوی آن گرفته شود و ... همه و همه نشانه آن است که یکی از اهداف اجتماعی استعمار از کنترل جمعیت، محدود کردن ازدواج‌ها و کشاندن

۱- سید محمد حسین حسینی طهرانی، همان کتاب، صص ۱۱۸، ۱۱۹.

بی‌رویه زنان به صحنه اجتماع و فعالیت‌های اقتصادی و در یک کلام نابود کردن بنیاد خانواده و ایجاد فساد اجتماعی است.^۱

۲-۲-۴- اهداف و انگیزه‌های اقتصادی استعمار

به طور کلی می‌توان اهداف اقتصادی کنترل جمعیت را در چند چیز دانست:

الف) ایجاد فضا و زمان و امکانات مورد نیاز اقتصادی استعمار

در این‌جا برای صحت و درستی کلام فوق تنها به یک جمله از «پل ارسنج» از دانشگاه استانفورد آمریکا اکتفا می‌کنیم. او در یک توصیه به دولت آمریکا می‌گوید که: آمریکا با تمام قوا و استفاده از فشارهای مالی و سیاسی از افزایش جمعیت در کشورهای دیگر جلوگیری نماید، حتی در کشورهای کم‌جمعیت آفریقای شرقی، چون این سرزمین‌های بکر و با صفا باید به عنوان تفریح-گاه ساکنین شهرهای آلوده به صنعت ما حفظ شود.

ب) صنعتی کردن محض کشور و نابودی کشاورزی و توسعه شهرنشینی

یکی از عواملی که سبب کاهش باروری می‌شود، وجود گسترش شهرنشینی است چرا که آمارها تفاوت ۱/۵ تا ۲ بچه را میان خانوار شهری و روستایی نشان می‌دهد. بنابراین از دید طرفداران کنترل جمعیت، رشد شهرنشینی یکی از عوامل کاهش باروری جامعه است. بدیهی است که رشد شهرنشینی در کشور ما تلازم لاینفکی با از بین رفتن کشاورزی و رشد بی‌رویه صنعتی کشور دارد که آثار خطرناکی را برای جامعه ما به بار خواهد آورد.

ج) محروم کردن جامعه از آثار مفید رشد جمعیت

هم‌چون رشد و شکوفایی خلاقیت و ابتکارات، رشد و گستردگی بازار تولید و ... که این آثار

مثبت تا حدودی در مباحث سابق بیان شد.^۲

۱- همان، ص ۱۲۲.

۲- همان، ص ۱۲۵.

۲-۳- تبعات تک فرزندی

از جمله معضلات اجتماعی دیگر کنترل جمعیت در جامعه، رواج تک‌فرزندی است. سیاست «دو بچه کفایت» که در عمل به «یک بچه بس است» منتهی شده، تبعات مخرب عاطفی در پی دارد.

متأسفانه در اثر تبلیغات ناسالم اجتماعی، این امر امروز، به صورت یک فرهنگ ملی و اجتماعی در آمده، که در واقع ارزش‌های دینی را تبدیل به ضد ارزش نموده است. امروزه بیشتر به خاطر رفاه زندگی از داشتن فرزندان زیاد فرار می‌کنند در حالی که غافل از سنت الهی‌اند که رفاه اصلی را در عالم دیگر قرار داده است و بشر در این دنیا آن را مورد جست‌و‌جو قرار می‌دهد.^۱

خانواده کامل خانواده‌ای است که به مثابه یک سیستم، هر نسبتی از برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله در آن حضور داشته باشند. فقدان هر یک از اعضای خانواده در روند تکامل فردی و اجتماعی افراد اثر منفی برجای گذاشته و ایجاد خلاء می‌کند. بر اثر تحقیقات روان‌شناسان، رفتار-های پسری که خواهر دارد به هنجارتر از رفتارهای پسری است که خواهر ندارد. نقش‌های اصلی (خواهر و برادر) برای رشد بهنجار در ابعاد عاطفی، عقلی و رفتاری نیازمند حضور نقش‌های مکمل (عمه، عمو، دایی، خاله و فرزندان این نقش‌ها) هستند، فقدان هر یک از این نقش‌ها هارمونی خانواده و اجتماع را به هم می‌ریزد. چنین خانواده‌هایی به شدت آسیب‌پذیر و شکننده هستند که به آسیب‌پذیری جامعه و اجتماع می‌انجامد.^۲

در کنار ضرورت‌های دیگر، ضرورت عاطفی را نیز باید برای فرزندان در نظر داشته باشیم، تک‌فرزندی که در خانواده بزرگ می‌گردد، در واقع او را از نعمت مهم عاطفی محروم ساخته‌ایم چون او بدون درک عاطفه برادری، خواهری و فامیلی بار می‌آید و در آینده نیز نمی‌تواند مربی خوبی برای

۱- محمد طاهر اکبری، تنظیم یاافزایش جمعیت، فصل نامه امت، شماره ۱۵-۱۴، سال ۱۳۸۶.

۲- WWW.JAHAN NEWS.IR

نسل‌های بعدی باشد. به گفته مرحوم شهید آیه الله بهشتی: چنین فرزندان غالباً لوس بار می‌آیند و از نظر بی‌بهرگی و قدرت جسمی، روحی و اخلاقی غالباً نه تنها از فرزندان خانواده‌های پرجمعیت بهتر نیستند بلکه گاهی بدتر و ضعیف‌تر از آنها هستند. در حقیقت چنین فرزندان غالباً ترسو، لوس و کم‌عاطفه به بار می‌آیند و این امر نیز به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است.^۱

۱- محمد طاهر اکبری، تنظیم یا افزایش جمعیت، فصل نامه امت، شماره ۱۴-۱۵، سال ۱۳۸۶.

فصل چهارم: نظریه تفصیلی مخالفان کنترل جمعیت

این نظریه که اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های کنترل جمعیت به هیچ وجه جایز نباشد، نوعی دیدگاه افراطی است که در میان معدودی از مخالفان کنترل جمعیت دیده می‌شود. بسیاری از آن‌ها در این زمینه تفضیل داده و مواردی را برای جواز اجرای برنامه‌ها در سیاست‌های کنترل جمعیت، ذکر نموده‌اند که بدین شرح است:

۱- ترس از حیات مادر

زمانی که به واسطه بارداری، خطر متوجه زندگی مادر یا سلامت وی شود، مثلاً موجب افزایش بیماری یا تاخیر در سلامتی‌ش شود، یا آن که بارداری‌های پی در پی، وی را دچار بیماری و ناتوانی جسمی کند، باید میان زایمان‌ها فاصله بیندازد. دلیل این مطلب آن است که حفظ حیات امری است واجب و شرعاً بر انسان واجب است که آن را نسبت به خود و دیگران (خواه زوج و زوجه) رعایت کند. خداوند تعالی می‌فرماید:

«.....ولا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً» (نساء/ آیه ۲۹)

و خودتان را از بین نبرید همانا خداوند به شما مهربان است.

«..... ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکة.....» (بقره / آیه ۱۹۵)

و خودتان را بادستان خود به هلاکت نیفکنید!

۲- ترس از صدمه دیدن طفل شیرخوار

در این حالت نیز انگیزه برای پیش‌گیری از بارداری فراهم است و اقدام به این عمل مشروع است؛ زیرا هدف از این کار، حمایت از جان طفل شیرخوار است که طبق نظر پزشکان شیر برای فرزندان ضروری است و هیچ غذایی جای آن را نمی‌گیرد.

در مجامع روایی اهل سنت از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایتی آمده که در آن روایت از «نحیله» - که منظور از آن حصول فرزند است زمانی که زن فرزند شیرخوار دیگری دارد- نهی می‌فرمایند از جهت این‌که موجب ضرر به شیر مادر و فرزند شیرخوار می‌شود.

۳- حفظ زیبایی و جمال زن

حفظ زیبایی و جمال زن از این نظر اهمیت دارد که ممکن است با از بین رفتن آن در روابط زناشویی، مشکل حاصل شود.

۴- ترس نسبت به فرزندان

مثلا زمانی که زوجین در دارالحرب بوده و نسبت به آینده طفل خود بیمناک باشند، می‌توانند به کنترل روی آورند؛ زیرا در سرزمینی که دچار جنگ است بسا پدر و مادر یا فرزند آنان کشته یا اسیر شود. و یا وقتی وضعیت خاصی بر فضای عمومی جامعه حاکم شود مثل این‌که بدی‌ها و مسائل غیراخلاقی در جامعه رواج یابد و ارزش‌های معنوی و اخلاقی از میان جامعه رخت بریندد و به طور کلی زمانی که والدین از امکان تربیت صحیح فرزند خود ناتوان شوند در این موارد عذر مقبول شرعی دارند و می‌توانند به کنترل بارداری روی آورند.^۱

۱- محمد هادی طلعتی، همان کتاب، ص ۱۲۲-۱۲۶.

فصل پنجم: راهکارهای افزایش جمعیت

جمعیت یکی از شاخص‌های مهم توسعه و پیشرفت هر کشوری است و باید از پیر شدن جمعیت جلوگیری کنیم زیرا کاهش نرخ جمعیت تهدیدی بزرگ برای کشور بوده، که اگر برنامه‌ریزی درستی صورت نگیرد، پیر شدن جمعیت به یک معضل اساسی تبدیل می‌شود. بنابراین باید راهکارهای افزایش جمعیت در دستور کار مسئولان مربوطه قرار گیرد و مسئولان با راهکارهای مناسب و ایجاد زمینه‌های حمایتی از خانواده‌ها، زمینه را برای افزایش جمعیت فراهم کنند. در این راستا، تسهیل امر ازدواج پایین آوردن سن ازدواج، ایجاد شغل و ترویج و فرهنگ‌سازی الگوهای زندگی اسلامی از جمله موضوعات مهم و اساسی هستند.

فرهنگ سازی

انجام کارها و اقدامات مناسب فرهنگی در راستای تشویق و ترغیب خانواده‌ها به افزایش جمعیت، باید توسط نهادهای ذیربط مورد توجه قرار گیرد.^۱

در این زمینه راهکارهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی وجود دارد که باید به آن‌ها توجه کرد. این راهکارها باید ناظر به ریشه‌های رکود جمعیتی باشد. به عبارت دیگر راهکارهای مقابله با مشکل باید متناسب با علت بروز مشکل باشد.

به نظر می‌رسد ابتدا باید تبلیغات فراوان رسانه‌ای اعم از رسانه ملی و غیرملی، در مورد کاهش جمعیت قطع شود. بعضی از این تبلیغات مستقیم و بعضی از آن‌ها غیرمستقیم است. در تبلیغات مستقیم خانواده‌های پرجمعیت را به مسخره می‌گیرند و خانواده‌های کم‌جمعیت را بهره‌مند و در رفاه نشان می‌دهند؛ در تبلیغات غیرمستقیم یک زندگی متملول بدون فرزند یا با فرزند کم تبلیغ می‌شود.

۱- www.igna.ir

امروزه در فیلم‌های ایرانی و حتی در سریال‌های خارجی به ندرت فرزندى وجود دارد. اگر هم بیش از یک یا دو فرزند در فیلمی باشد، حتما جنبه طنز دارد. به هر حال این تبلیغات جامعه را به سمت کاهش جمعیت سوق می‌دهد. می‌توان تولید این‌گونه فیلم‌ها و سریال‌ها را محدود کرد و یا برخلاف آن‌ها فیلم ساخت. بهترین عامل تبلیغ سبک زندگی خاص و ترویج آن تولیدات نمایشی و ستبر تحقق آن صدا و سیما است.

ارائه الگوهای حضور اجتماعی زنان، متناسب با زاد و ولد

حضور اجتماعی زنان نباید مانع ازدواج و زاد و ولد تلقی شود. باید الگوهایی به جامعه عرضه شود که نشان دهد زنان با وجود تحصیل و اشتغال موفق بوده‌اند و فرزندان موفقى را نیز تربیت کرده‌اند. در این الگوسازی باید نشان داد که اشتغال زنان مانع همسرمدارى و فرزندمدارى نیست. می‌توان زنان موفقى را که علاوه بر حضور اجتماعى مناسب، در وظیفه همسرمدارى و فرزندمدارى خود هم موفق بوده‌اند به عنوان الگو معرفى کرد.

در تبلیغات باید نقش محیط خانواده را در تربیت فرزندان و تاثیر آن در سیاست، اقتصاد و فرهنگ جامعه تبیین کرد. خانواده اولین کانون تربیت انسان است. جامعه‌ای که فرزندان در کانون خانواده تربیت نشود و بنیان خانواده در آن به جای محبت و ایثار بر پایه جنگ و ستیز و تخریب شکل گیرد دچار مشکلات خانوادگی است. وجود چنین مشکلی در جوامع غربی به راحتی قابل مشاهده است.

بنابراین نباید تصور کرد که حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعى تنها حاصل ارتقای شخصیت اجتماعى آنان است و بر عکس خانه‌مدارى و ایجاد محیط امن و ایثار و محبت در خانه برای تربیت مناسب فرزند ضداثرش و کارى بیهوده است که تاثیرى در اجتماع ندارد. شخصیت‌های بزرگ هر کشورى تحت تربیت مادرانى متعهد و در یک محیط سالم خانوادگى پرورش

یافته‌اند. باید مشخص کرد که حضور اجتماعی زنان در کجا و به چه صورت مناسب و در کجا و به چه صورتی غیرمناسب است.

عبور از ازدواج‌های سخت به ازدواج‌های آسان

از دیگر بحث‌های مهم، ازدواج آسان است. موانع ازدواج بیش از هر چیز ناشی از نوع مسائل روحی، روانی و بینشی است. تصور می‌شود محدودیت مسکن و شغل مانع اصلی ازدواج است اما همه این‌ها به تعریف شغل و مسکن بستگی دارد؛ بعضی آیا زندگی یک زوج جوان همراه با پدر و مادر و استفاده از امکانات منزل والدین در آغاز زندگی ممکن نیست؟ در بعضی از خانواده‌ها انجام می‌شود و نتیجه خوبی هم داشته است؛ در این شیوه مقدار هزینه‌های زندگی زوج جوان کاهش پیدا می‌کند و آن‌ها می‌توانند با درآمد کمتری زندگی مشترک را شروع کنند. ازدواج‌هایی که با مشکلات اقتصادی اما همدلی و همفکری شروع می‌شوند در آینده به زندگی بهتری می‌رسند.

در این صورت زندگی شیرین‌تری خواهند داشت. لازم نیست از اول توقع طرفین این باشد که پسر منزل و ماشین و شغل پردرآمد و دختر جهیزیه کامل داشته باشد. بنابراین در ازدواج باید به سمت سهل‌گیری رفت و ازدواج را به یک امر آسان تبدیل کرد.

بر اساس آموزه‌های دینی کسی که ازدواج می‌کند نیمی از دینش را حفظ کرده است. زن و مرد ستر و حجاب یکدیگرند خداوند از خزانه غیب خود به زن و مردی که ازدواج می‌کنند می‌بخشد. خداوند می‌فرماید: شما دختران و پسران فقیر را به ازدواج یکدیگر درآورید، ما از خزانه غیب به آن‌ها می‌بخشیم. نفرموده‌اند اول پولدار شوید بعد ازدواج کنید. این‌ها مواردی است که اگر مورد توجه قرار گیرند موثر واقع می‌شوند.^۱

۱- عباس معلمی، راهکارهای افزایش جمعیت در وضعیت کنونی. کد خبر ۱۰۰۷۸۴، پایگاه تحلیلی خبری اندیشه دینی، فرهنگی، ۲۸ آذر ۱۳۹۱.

پس برای تحقق منویات مقام معظم رهبری برای اجرای طرح افزایش جمعیت باید ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی را احیا و نقاط تداوم افزایش جمعیت را برای مردم تشریح و برجسته کرد. که در این زمینه فرهنگ‌سازی کار اصلی است و باید این شاخصه مهم به عنوان محور برنامه‌ها قرار گیرد.

متن پیام رهبر انقلاب به همایش ملی تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه که در

تاریخ ۱۳۹۲/۹/۷ در این همایش در شهر قم قرائت شد.

بسم الله الرحمن الرحيم

مسئله جمعیت که بجد هم مورد بحث و اختلاف نظر در جامعه است مسئله بسیار مهمی است. بلاشک از نظر سیاست کلی کشور، کشور باید برود به سمت افزایش جمعیت؛ البته به نحو معقول و معتدل همه اشکالات و ایرادهایی که وارد می‌شود - که بعضی از اشکالاتی را هم که مطرح می‌کنند ما دیده‌ایم - قابل برطرف شدن و قابل پاسخ دادن است. آنچه مهم است این است که کشور ما با ظرفیت طبیعی و با ویژگی جغرافیای سیاسی خود احتیاج دارد به یک جمعیت بیش‌تر؛ علاوه بر این - همان‌طور که قبلاً هم گفته‌ایم - مسئله نمای جوان برای کشور یک مسئله اساسی و مهم و تعیین کننده است. آن طوری که اهل علم و اهل تحقیق بررسی کرده‌اند و جوانب قضیه را ملاحظه کرده‌اند و آمارها را مورد مذاقه قرار داده‌اند، ما اگر چنان‌چه با این شیوه‌ای که امروز داریم حرکت می‌کنیم پیش برویم، در آینده نه چندان دور، یک کشور پیری خواهیم بود که علاج این بیماری پیری هم در حقیقت در دسترس نیست؛ حالاً نه [این‌که] در دسترس ما نیست، [بلکه] در دسترس هیچ‌کس نیست؛ یعنی امروز کشورهایی که در دنیا دچار پیری شده‌اند و قدرت زاد و ولد خودشان را از دست داده‌اند، به دشواری می‌شود گفت که راه علاجی برای حل این مشکل دارند. ما هم طبعاً با همین مشکل مواجه خواهیم شد؛ و نباید بگذاریم به این‌جا برسند. البته مبانی اسلامی و تفکر اسلامی در زمینه جمعیت و افزایش جمعیت و با توجه به وضعیت جغرافیای سیاسی منطقه و کشور جمهوری اسلامی، یک چیزهای روشن و واضحی است.

همایشی که آقایان گذاشتید، به نظر من جزو کارهای بسیار خوب است. یعنی ما نمی-

خواهیم این قضیه را با شعار و با این‌که «صلوات بفرست تمام بشود» و مانند این‌ها پیش ببریم؛

می‌خواهیم مسئله به شکل عمیق و علمی حل بشود، گره‌های ذهنی که وجود دارد باز بشود و به اعتقاد من ما می‌توانیم این کار را بکنیم؛ یعنی متفکرین ما و صاحبان دانش با مسئله جمعیت- در هر بخشی از بخش‌ها- می‌توانند در این زمینه منطقی صحیح و قابل قبولی را ارائه کنند. این همایش البته قدم اول است، یعنی قدم ابتدایی است، اما از گذاشتن قانون به نظر من مهم‌تر است، چون فرهنگ‌سازی در این مسئله مثل خیلی از مسائل دیگر اجتماعی، حرف اول را می‌زند؛ باید فرهنگ‌سازی بشود که متأسفانه امروز این فرهنگ‌سازی نیست، تعطیل است؛ با این که گفته شده، ما هم گفته‌ایم، دیگران هم گفته‌اند، در مجلس هم مطرح شده، بعضی‌ها هم کم و بیش این‌جا و آن‌جا بحث می‌کنند، لیکن کار فرهنگی به معنای صحیح انجام نگرفته. به نظر من این کار شما کار خوبی است، کار مناسبی است؛ منتها اکتفا نکنید به اینکه یک میزگردی تشکیل بشود و سخنرانی‌ای گذاشته بشود و مثلاً تعدادی مقاله چاپ بشود؛ این‌ها کارهای لازمی است، اما ناکافی است؛ بایستی از امکاناتی که در کشور است استفاده کنید، فکر را در کشور بگسترانید؛ آن وقت فکری هم که گسترش پیدا می‌کند، باید فکر عمیق و اساسی و منطقی و قانع‌کننده‌ای برای هر کس باشد؛ بنابراین باید کار بشود روی این مسئله که لایه آقایان این کار را کرده‌اید. چون بحمدالله شما اهل فضل و اهل تحقیق هستید و موسسه شما، موسسه‌ای است که سابقه خوبی در این زمینه‌ها دارد، لیکن کار را به این‌جا متوقف نکنید. جوانب قضیه را بسنجید، ببینید چه چیزهایی است که موجب می‌شود جامعه ما دچار میل به کم‌فرزندی بشود. این میل به کم بودن فرزند، یک عارضه است؛ والا انسان به طور طبیعی فرزند را دوست می‌دارد. چرا ترجیح می‌دهند افراد که فقط یک فرزند داشته باشند؟ چرا ترجیح می‌دهند دو فرزند داشته باشند؟ چرا زن به شکلی، مرد به شکلی پرهیز می‌کنند از فرزندداری، این‌ها را باید نگاه کرد و دید عواملش چیست؛ این عوامل را پیدا کنید؛ بر روی علاج این عوامل بیماری‌زا- که به اعتقاد بنده این‌ها عوامل بیماری‌زاست- متخصصین و صاحبان اندیشه را بخواهید فکر کنند. مثلاً بالا رفتن سن ازدواج؛ بلاشک یکی از

چیزهایی که باروری را محدود می‌کند، بالا رفتن سن ازدواج در کشور است؛ خب این یکی از کارهایی است که باید در کشور فکر بشود. چرا سنین ازدواج در کشور ما بالا رفته؟ مگر جوان هفده ساله، هجده ساله، نوزده ساله، احتیاج ندارد به اطفاء نیاز جنسی و غریزه جنسی؟ ما باید این را فکر بکنیم. خب، از آن می‌گویند که این‌ها خانه ندارند، شغل ندارند، درآمد ندارند، ببینیم چگونه می‌شود کاری کرد که همه این‌ها با هم جمع بشود. ما نباید تصور بکنیم که حتماً بایستی یک نفری خانه ملکی داشته باشد، یک شغل درآمد داری داشته باشد، بعد ازدواج بکند؛ نه، «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ قَضَلِهِ» (سوره نور/ آیه ۳۲) این قرآن است که با ما دارد این جور حرف می‌زند. یعنی همه آن گره‌های ذهنی‌ای را که وجود دارد در این زمینه، باید شما باز کنید، یعنی شأن شما و همایش از این قبیل، این است که بایستی این کار فکری و علمی را بکند، یعنی صرفاً بیان فکر، بیان خواست و حتی شعارهایی در این زمینه نباشد.

واقعاً کار بشود، کار فکری بشود، عوامل کاهش جمعیت و موجبات افزایش جمعیت به نحو مطلوب و با اعتدال متناسب، درست سنجیده شود، مطرح بشود تا اقناع بشوند افکار نخبگان. در این زمینه خب الان عامه مردم، بعضی‌ها متدینند، بعضی‌ها متعبدند، وقتی گفته می‌شود، می‌روند سراغ باروری بیش‌تر؛ لکن نخبگان جامعه باید قانع بشوند، باید مسئله را قبول کنند؛ اگر نخبگان قبول کردند، کار سهل می‌شود، کار فرهنگ‌سازی آسان می‌شود. بنده هم‌چنان معتقدم کشور ما کشور هفتادو پنج میلیونی نیست، کشور ما کشور صدو پنجاه میلیونی است، حالا ما دست کم را گرفتیم صدو پنجاه میلیون، بیشتر هم می‌شود گفت. قطعاً این کشور با این سطح وسیع، با این تنوع آب و هوایی، با این امکانات فراوان زیرزمینی، با این استعداد بالقوه علمی که در این کشور وجود دارد، می‌تواند یک کشور پرجمعیتی باشد و ان شاءالله خودش هم این جمعیت را اداره کند؛ یعنی هم‌چنان که ما فکر می‌کنیم که اگر چهارپنج بچه افتاد روی دوش یک خانواده وضع زندگیشان

چگونه خواهد شد، فکر این را هم بکنید که این چهار پنج بچه وقتی بزرگ شدند و کاری پیدا کردند و شغلی پیدا کردند چه کمکی می‌توانند به پیشرفت کشور بکنند؛ یعنی این را هم باید فکر کرد.

یک نگاه مقلدانه‌ای به زندگی غربی یا به زندگی اروپایی وجود داشته که به اینجاها منتهی شده و میراث آن به ماها رسیده؛ ما هم در یک برهه‌ای از زمان غفلت کردیم، کاری که باید انجام بدهیم انجام ندادیم. در حالی که امروز در بعضی از همین کشورهای غربی از کاهش باروری دارند زیان می‌بینند، پشیمانند؛ و در بعضی از کشورهای غربی مطلقاً کاهش باروری وجود ندارد؛ یعنی خانواده‌های پرجمعیت، مثلاً خانواده آمریکایی با ده دوازده بچه، چطور خانواده ایرانی که می‌خواهد از او تقلید کند حتماً باید یک بچه داشته باشد یا دو بچه^۱. که این الان وجود دارد و گزارش‌ها و خبرها از این واقعیت به ما اطلاع می‌دهد. ان شاءالله که موفق و موید باشید. والسلام علیکم و رحمه الله .

نتیجه

با توجه به ادله موافقان افزایش جمعیت که در این نوشته بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که بسیاری از آثار و پیامدهایی که مخالفان افزایش جمعیت، در ارتباط با فزونی جمعیت مطرح کرده‌اند، هیچ ارتباطی با افزایش جمعیت ندارد، بلکه بیش‌تر ناشی از عدم برنامه‌ریزی صحیح و ناکارآمدی دولت‌ها و عدم مدیریت صحیح منابع و از پیامدهای صنعتی شدن و مدرنیته و ... است.

هم‌چنین با توجه به مفهوم و مضامین آیات کریمه که فرزند را از جمله نعمت‌های پروردگار متعال و در ردیف سایر مواهب و بخشش‌های ذات بخشنده پروردگار متعال قلمداد می‌کنند و نیز روایات متعددی که از ائمه معصومین (علیه السلام)، به ویژه شخص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد فزونی جمعیت و امت اسلامی در این نوشته بیان شده، می‌توان نتیجه گرفت که زیادی فرزند و به تبع آن، فزونی روزافزون امت اسلامی یک اصل است و جامعه اسلامی باید همواره وسایل و زمینه‌های لازم را جهت تحقق این اصل فراهم کند.

بنابراین نظر به این که شریعت اسلام ترغیب کننده به فزونی نسل مسلمانان و تحدید نسل و جلوگیری از آبستگی مخالف فطرت انسانی و شریعت اسلامی می‌باشد؛ و نظر به این که هدف جلوگیری از افزایش جمعیت مسلمین، نیرنگی برای کاهش دادن نیروهای انسانی مسلمین و تقویت سلطه استعمارگران بر کشورهای اسلامی و بهره‌برداری بیش‌تر از ثروت‌های آنان است؛ و نیز نظر به این که جلوگیری از نسل، نوعی عمل جاهلی و بدگمانی به خدای تعالی است؛ و با توجه به رشد منفی جمعیت در کشور و تاکید مقام معظم رهبری بر افزایش جمعیت، باید به رویکرد فزونی جمعیت روی آورد و افزایش جمعیت را در جامعه اسلامی ایران به عنوان یک سیاست راهبردی تلقی کرد که در این زمینه فرهنگ‌سازی امری ضروری است.

فهرست منابع و مآخذ

* قرآن

- ۱- جهانی‌فر، محمد، مبانی جمعیت‌شناسی، انتشارات دهخدا، ۱۳۷۶.
- ۲- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، چاپ سوم، قم، موسسه آل‌البیت‌علیهم‌السلام، لایحیاء‌التراث، ۱۴۱۶ق.
- ۳- حسینی‌طهرانی، سید محمد حسین، کاهش جمعیت‌ضربه‌ای‌سهمگین‌بر‌پیکر‌مسلمین، انتشارات‌علامه‌طباطبائی‌و‌موسسه‌ترجمه‌و‌نشر‌دوره‌علوم‌و‌معارف‌اسلامی، ۱۴۳۱ه.ق.
- ۴- خمینی، سید حسن، مبانی‌فقهی‌تنظیم‌خانواده، انتشارات: پژوهشکده‌امام‌خمینی (رحمه‌الله‌علیه) و انقلاب‌اسلامی، ۱۳۸۲.
- ۵- رهبری، حسن، اسلام‌و‌ساماندهی‌جمعیت، انتشارات‌بوستان‌کتاب‌قم، ۱۳۸۵.
- ۶- عمید، حسن، فرهنگ‌فارسی‌عمید، ج ۱ و ۲، چاپ‌دوازدهم، انتشارات‌امیرکبیر، ۱۳۸۹.
- ۷- طلعتی، محمد‌هادی، رشد‌جمعیت؛ تنظیم‌خانواده‌و‌سقط‌جنین، انتشارات‌بوستان‌کتاب‌قم، دفتر‌تبلیغات‌اسلامی‌حوزه‌علمیه‌قم، ۱۳۸۳.
- ۸- طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان‌فی‌تفسیر‌القرآن، چاپ‌ششم، قم‌موسسه‌النشر‌الاسلامی، ۱۴۲۱ق.
- ۹- محمودیان‌و‌...دیگران، حسین، دانش‌خانواده، سازمان‌مطالعه‌و‌تدوین‌کتاب‌علوم‌انسانی‌دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳.
- ۱۰- مجلسی، محمد‌باقر، بحارالانوار، چاپ‌دوم، بیروت، دار‌احیاء‌التراث‌العربی، ۱۴۰۳ق.
- ۱۱- نادری، فرج‌الله، کنترل‌جمعیت‌از‌دیدگاه‌اسلام، انتشارات‌بوستان‌کتاب‌قم، ۱۳۹۲.
- ۱۲- معین، محمد، فرهنگ‌فارسی‌معین، انتشارات‌ثامن، ج ۴، ۳، دیبا، چاپ‌دوم، ۱۳۸۶.

مقالات

- ۱- اکبری، محمد طاهر، "تنظیم یا افزایش جمعیت"، فصل‌نامه امت، شماره ۱۴-۱۵، سال ۱۳۸۶.
- ۲- امینی یخدانی، مریم، "نقد نظریه مالتوس"، پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام.
- ۳- چیدری، زهرا، "سیاست‌های غرب در کاهش جمعیت کشورهای مسلمان" کد مطلب ۵۶۲۴، ۹۲/۵/۱۳، پایگاه تحلیل تبیینی برهان.
- ۴- حسینی، حاتم، "مبانی نظریه مالتوس" نوشته شده در ۱۲ بهمن ۱۳۸۷.
- ۵- زارع‌پور، "افزایش جمعیت، افتخار و عزت اسلامی"، منتشر شده در پایگاه جامع عاشورا.
- ۶- عامری، محمد حسین، "رشد جمعیت و مشکلات ناشی از آن"، یکشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۹۲.
- ۷- فولادی، محمد، "سیاست کنترل جمعیت و آثار و پیامدهای آن" فصل‌نامه فرهنگی اجتماعی معرفت، سال سوم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۰.
- ۸- معلمی، عباس، "راهکارهای افزایش جمعیت در وضعیت کنونی" ۲۸ آذر ۱۳۹۱، کدخبر ۱۰۰۷۸۴، پایگاه تحلیلی خبری اندیشه دینی فرهنگی.
- ۹- ناصری، "کنترل جمعیت و نتایج آن"، خانواده و زنان، حورا، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶، شماره ۲۴.
- ۱۰- فصل‌نامه معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۹، تاملی در سیاست کنترل جمعیت و آثار و پیامدهای آن، ۹۲/۵/۱۲.

پایگاه اینترنتی

- ۱- Marefate farhangi. Nashriyat.ir
- ۲- www.jahan news. Com
- ۳- Farsi. Khamenei.ir
- ۴- www. Pajoohe. Com
- ۵- www. Raja news. Com
- ۶- rc. Majlis.ir
- ۷- www. Igna.ir